



فصلنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای مربیان مراکز پیش‌دبستانی، دانشجویان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی دوم / شماره‌ی ۱ / پاییز ۱۳۸۹

E-mail: pishdabestani@roshdmag.ir
www.roshdmag.ir

شمارگان: ۷۰۰۰ نسخه

سال همت مضاعف کار مضاعف

مدیرمسئول: محمدناصری
سردبیر: فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی مجدفر
مرتضی طاهری
فریده عصاره
مسعود تهرانی فرجاد
شیرین برزین
مدیر داخلی: شهلا فیهمی
ویراستار: بهروز راستانی
طراح گرافیک: مهساقیایی
عکس جلد: اعظم لاریجانی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

● مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و یا ماشین شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.

خجسته باد مهر زیبایی‌ها ۲ / دکتر فرخنده مفیدی
انس‌ورزی با قرآن ۴ / اصغر ندیری
وضعیت تغذیه کودکان پیش‌دبستانی ۹ / نسترن مسعودنیا
تغذیه سالم کودکان و مسؤلیت بزرگ‌ترها ۲ / دکتر مرجان گودرزی
آشنایی با متیو لیپمن، بنیان‌گذار جنبش جدید فلسفه برای کودکان ۱۴
/ دکتر فرخنده مفیدی
مروری بر فلسفه برای کودکان ۱۵ / دکتر ایراندخت فیاض
کودک کودک است، بزرگ کوچک نیست! ۱۸ / مسعود تهرانی فرجاد
پای صحبت پدران و مادران ۲۰ / دکتر فرخنده مفیدی
آموزش علوم در دوره‌ی پیش از دبستان ۲۲ / شیرین برزین
پیش‌دبستانی سرمایه‌گذاری ارزشمندی در نظام تعلیم و تربیت کشور است ۲۶
/ فاطمه قائمی
بازی در کلاس ۲۸ / زهرا حاجی عظیمی
بازی‌درمانی، فنون و روش‌ها ۳۰ / سیما قدرتی
روش پاسخ کاملاً بدنی در مناطق دوزبانه ۳۴ / فریده عصاره
پیچ مگه هلو ۳۷ / مرتضی مجدفر
پیش‌دبستان خانگی! ۳۹ / مرتضی طاهری
خلاقیت، نقش خانواده و راهبردهای عملی ۴۰ / فرحناز فرد
دنیای اسرارآمیز کودکان ۴۳
تأثیر طراحی کلاس بر خردسالان و کودکان نوپا ۴۴ / پریسا حبیبی
با مخاطبان رشد آموزش پیش‌دبستانی ۴۷
کتاب مربی ۴۸

تلفن پیامگیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد دفتر مجله: ۱۱۳

کد امور مشترکین: ۱۱۴

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۴ (داخلی ۴۲۹)

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

بار دیگر مهرورزی آغازی دیگر به خود می‌بیند. کودکانی که برای اولین بار وارد محیط‌های آموزشی و فرهنگی می‌شوند، دنیای تازه و تجربیاتی گران قدر و به یادماندنی را به شکل نوینی تجربه می‌کنند. کودکانی که از مرحله‌ی پیش از دبستان گذر می‌کنند، با کوله‌باری ارزشمند و پایه‌ای، به دبستان راه می‌یابند. پدران و مادران نیز آغازی به نوعی دیگر، چشم‌اندازی جدیدتر و نگاه تازه‌تری به دور دست را با کودکان دل‌بند خود می‌آزمایند. جامعه، جاده‌ها، آدم‌ها و مکان‌ها، **جای پاهای کودکانه** را هر روزه احساس می‌کنند. اثر پاهای و گام‌های نخست، پایداری و دوام بیشتری دارند. دیده بنگشا که وقت مهربانی و دیدن عشق و امید و زیبایی است.

در این فصل تحرک و یادگیری، همراه با قدردانی از همه‌ی شما خوبان، به لحاظ همراهی و واکنش‌های دوستی و تشویق‌کننده، به طرح پاره‌ای از مسائلی که گذشت و می‌گذرد، نظری می‌افکنیم:

● چهار شماره‌ی سال گذشته را که در حقیقت تجلی و تبلور دست‌نوشته‌ها و فکر نوشته‌های همکاران عزیز بود، به شکرانه‌ی پروردگار تقدیم شما مخاطبان گرامی کردیم. برآنیم که از این شماره، ضمن ادامه‌ی کارها، طرح مسائل جدید و توجه بیشتر به پیشنهادات، شماره‌ی مسلسل فصل‌نامه را نیز بر روی جلد آن حک کنیم تا مهرماه اولین شماره در سال تحصیلی جدید و هشتمین شماره در توالی کارهای گذشته باشد و شاهد ثبت تلاش‌های پیوسته‌ی همکاران در طول دو سال گذشته باشیم.

● آموزش و پرورش پیش از دبستانی دفتر جدید و مدیرکل جدید خود را تجربه می‌کند. جناب آقای **خاکی**، مدیرکل محترم پیش دبستانی را در جلسه و نشست صمیمی ملاقات کردم و ضمن تبریک و ابراز خوشحالی از ورود ایشان به این دفتر، دیدگاه‌ها و ایده‌های نو ایشان را بسیار مثبت و سازنده دریافتیم. امیدوارم که طلیعه‌ی تربیت و شکل نوینی از کار و تصمیمات را در این سطح با حضور ایشان شاهد باشیم.

● در طول سالی که گذشت، سؤالات بسیاری از شما خوانندگان درباره‌ی چگونگی آموزش قرآن در مراکز پیش از دبستان و روش‌ها و گونه‌گونی‌ها در شروع یادگیری و آموزش آیات زیبای کتاب آسمانی و قرآن مجید به کودکان مطرح شد. نگرانی از سامان‌دهی ناصحیح، روش‌های دفع‌کننده و ابهامات بسیار خانواده‌ها، در این سؤالات موج می‌زد. مشاهده‌ی کتاب‌ها و راهنماهای متفاوت و مجریان و مربیان عجول و بعضاً بی‌حوصله، فقدان هم‌خوانی در روش‌ها و چگونگی ارتباط کودکان برای اولین بار با کتاب مقدس و نیز تشتت در روش‌های خواندن و نوشتن فارسی و عربی، ما را بر آن داشت که پس از مشورت در هیئت تحریریه، به برپایی میزگردی برای ایجاد شفافیت بیشتر در این زمینه با دعوت از کارشناسان و نیز میهمانانی که خود مدرس این آموزش‌ها و یا نویسنده‌ی کتاب در این ارتباط هستند، مبادرت ورزیم. براین اساس، میزگردی هدفمند با جمع‌بندی منظم و پاسخ‌گو برگزار شد که گزارش آن در این شماره از نظر شما خواهد گذشت. امید است این مباحث محدود، تاحدی از سؤالات و نگرانی‌ها بکاهد.

خجسته‌بادمهرزیبایی‌ها

دیدگان ما روشن، آغازی دیگر، چشم‌اندازی گسترده‌تر

دکتر فرخنده مفیدی

● اخیراً بسیار مشاهده می‌شود که مربیان و والدین، دانش و حافظه را تنها و بهترین راه کسب مهارت‌های حل مسئله تلقی می‌کنند و با تشویق کودکان به حفظ کردن طوطی‌وار، زمینه‌ای فراهم می‌آورند تا کودکان در این سال‌های حساس، از دیگر راه‌های تفکر و اندیشیدن دور بمانند. براساس نظریه‌ی **پیاز**، کودکان برای رشد شناختی به مسائل چالش‌برانگیز نیاز دارند. انتخاب و نحوه‌ی ارائه‌ی مسائل برای دست‌یافتن به مهارت حل مسئله از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا فرصتی برای برقرار کردن تعادل بین تجربیات قبلی و یافته‌های جدید فراهم می‌کند.

مربی پیش‌دبستانی منبع اصلی در زمینه‌ی بهبود مهارت حل مسئله برای کودکان است. زیرا او وقت زیادی را با کودکان و در تعامل با آنان سپری می‌کند. این مربیان مسئولیت فراهم کردن تجربه‌ها و مواد آموزشی لازم را در محیط‌های فرهنگی و آموزشی پیش از دبستان و مهدهای کودک و راهنمایی کودکان را برای یادگیری برعهده

دارند. باین پیش‌فرض که مهارت حل مسئله مهارتی است که از آغاز زندگی تا پایان عمر لازم است، باید توجه خاصی به این مهارت در دوره‌ی پیش‌دبستانی مبذول داشت. بنابراین لازم است که مربیان پیش‌دبستانی دانش و آگاهی خود را در مورد مهارت حل مسئله افزایش دهند و برنامه‌های آموزشی خود را در جهت ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان و نیز حمایت از والدین در زمینه‌ی مهارت حل مسئله دنبال کنند. راه‌های اندیشیدن و تفکر و فلسفه برای کودکان را از طریق قصه‌های خلاق و داستان‌های سؤال‌برانگیز با کودکان در میان بگذارند.

به هر حال یادمان نرود که کودک را باید از نو شناخت و او را در بستر زمان خویش نگریسته

● ما امروز کودک را به همراه تلویزیون و با تجربه‌های تصویری زیاد و متنوع داریم.

● کودک را به‌همراه رایانه با بازی‌های پرهیجان، پیچیده، پرخشونت و البته جذاب داریم.

● کودک را به‌همراه اینترنت با ارتباط‌های گسترده و اطلاعات فراوان و متنوع و جور و ناجور داریم.

● کودک را به‌همراه ماهواره و با جاذبه‌های زندگی مرفه، آزاد و لوکس داریم.

● کودکان را در فقر و غنا، در خیابان و در شرایط گوناگون دیگر داریم.

در این سال نو تحصیلی، یک‌بار دیگر در همه‌ی عوامل تأثیرگذار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره بر روح و روان و جسم و اندیشه‌ی کودکان، بازنگری کنیم و شرایطی آرام و محیطی مناسب جست‌وجو و صد البته شاد را برای کودکان تدارک ببینیم.

در پایان، باتشکر دوباره از همه‌ی خوانندگان و به‌ویژه دانشجویان، کارشناسان و مربیان گرامی سال تحصیلی جدید را سالی نوید بخش برای سازندگی بیشتر، خلاقیت فراوان‌تر و کارایی افزون برای همگان آرزو دارم.

انس‌ورزی با قرآن شاخص توسعه‌ی کشور

اشاره

نگاه مهربان به قرآن و انس‌ورزی با آن در سال‌های پایه‌ی آموزش، نگاهی ضروری است. اهمیت انس با قرآن در کودکان آن اندازه است که ایجاب می‌کند، این انس از دوره‌ی پیش‌دبستانی و براساس اصول و معیارهای خاصی انجام پذیرد. وقتی این نگاه مهرآمیز پدید آمد، توانایی کودکان ما برای دیدن انسانیت و زیبایی‌های طبیعت و غور در جهان پیرامون بهتر شکل می‌گیرد. اما در حال حاضر وضعیت انس با قرآن به کودکان پیش‌دبستانی چگونه است؟ برای بررسی این وضعیت و ارزیابی روش‌های موجود، نشستی در دفتر مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دبستانی با حضور دکتر فرخنده مفیدی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و سردبیر مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دبستانی، فریده عصاره، کارشناس مناطق دوزبانه، حسین چابک، کارشناس دفتر آموزش ابتدایی وزارتخانه، مسعود تهرانی فرجاد، کارشناس قرآن دفتر تألیف، مهدی امین جعفری و رضا مهدوی از مکتب القرآن قم، عصمت نورافشان، مربی پیش‌دبستانی، فریده فتاحی، مدرس مکتب‌الرضا، منصوره سیدصالحی، مدرس قرآن و مربی پیش‌دبستانی انجام شد که نظر‌تان را به اهم مباحث مطرح شده جلب می‌کنیم.

ضرورت‌ها

در شروع جلسه، دکتر مفیدی با تأکید بر توصیه‌های دینی مبنی بر انس با قرآن گفتند: "از سخنان خوب و بارزش پیامبر اسلام درباره‌ی آموزش قرآن کریم این است که ایشان فرموده‌اند: بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را به دیگران هم یاد دهد. مطمئناً ارزش آموزش و انس با قرآن برای همه‌ی نوآموزان آن قدر است که برنامه‌ریزی و پایه‌گذاری انس با آن از دوره‌ی پیش‌دبستانی، امری ضروری و اصولی است.

با توجه به برکتی که آموزش قرآن در همه‌ی سطوح دارد، نگاه مهربان و ایجاد نوعی مهرورزی در نوآموزان نسبت به قرآن، دارای اولویت در برنامه‌ریزی‌هاست. با این نگاه زیبا به کتاب آسمانی، توانایی‌های کودکان برای دیدن انسانیت و زیبایی‌های طبیعت و برای

هم‌چنین افزود: "دیده شده است که در آن چه تفکر می‌شود و آن چه انجام می‌شود، مغایرت‌هایی وجود دارد. در این راه مربی‌ها، مسئولین و کودک‌شناسان و همین‌طور قرآن‌پژوهان باید حاضر شوند و نظر بدهند. اگر کاستی‌هایی وجود دارد، باید رفع شود تا این انس‌ورزی به بی‌زاری تبدیل نشود." دکتر مفیدی هم‌چنین افزود: "به درحال بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود فاصله‌هایی وجود دارد. نتایج کارهای عملی معمولاً نشان می‌دهد آن‌ها که کودک را می‌شناسند، چندان با قرآن آشنا نیستند و آن‌ها که قرآن می‌دانند، کودک را نمی‌شناسند. به همین دلیل امکان دارد بچه‌ها قربانی راه خطای ما شوند."

دکتر مفیدی: با توجه به برکتی که آموزش قرآن در همه‌ی سطوح دارد، نگاه مهربان و ایجاد نوعی مهرورزی در نوآموزان نسبت به قرآن، دارای اولویت در برنامه‌ریزی‌هاست



دکتر فرخنده مفیدی

غور پیرامون جهان به‌نحو بهتری شکل خواهد گرفت.

بنابراین اگر ضرورت دارد که آموزش‌های پیش از دبستان و برنامه‌های مربوط به آن با آموزه‌های قرآنی هماهنگ شود، نیاز است که کار بیشتری انجام شود." این استاد دانشگاه علامه طباطبایی

سردبیر مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دبستان با اشاره به این‌که مجله محل انعکاس تصمیمات، نظرات و تجربیات مسئولین، صاحب‌نظران و مربیان است و آن‌ها به‌نوعی پاسخ‌گو هستند، دلیل برگزاری این نشست را یادآور شدند و گفتند: "باید کاستی‌های نظر و عمل و عادت یا معرفت در قرآن رفع شود. ایجاد نوعی خودجوشی و گرایش

به قرآن مهم است. در این جلسه به دلیل حساسیت‌های موجود در مورد این مسئله، در محضر کارشناسان و صاحب‌نظران هستیم تا تجربه‌ها و پیشنهادهای کارشناسانه‌ی آن‌ها را بشنویم و از آقای امین‌جعفری خواهش می‌کنم نظر خود را بفرمایند."

فرزندان قرآن بیاموزند

مهدی امین‌جعفری از "مکتب‌القرآن" در زمینه‌ی ضرورت آموزش قرآن کریم در دوره‌ی پیش‌دبستانی، شش‌محور را مهم دانست و به تعدادی از آن‌ها اشاره کرد: "این ضرورت را در روایات و گفتار ائمه (ع)، از جمله در سفارش حضرت علی (ع) به امام حسن (ع) در نامه‌ی ۳۱ نهج‌البلاغه، فراز ۱۴ می‌بینیم که می‌فرماید: "فرزندم، در آغاز تربیت تو بر آن شدم که کتاب خدا (قرآن) را به تو بیاموزم."

با دقت در این نامه به دو نکته پی می‌بریم. یکی آغاز تربیت و دیگری یاد دادن که در آن‌ها لفظ کتاب‌خدا آمده‌است و ضرورت آموزش را بیان می‌کند. از نبی اکرم (ص) و سایر ائمه (ع) هم سفارش‌هایی شده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: برای آموزش نماز شش تا هفت سالگی مناسب است. لذا در روایات داریم که فرزندان در این سن قرآن نیز بیاموزند.

از محورهای دیگر، سابقه‌ی تاریخی و فرهنگی ماست. سال‌هاست که در کشور، بحث آموزش قرآن برای کودک مطرح است. **ابن‌سینا، غزالی** و تعدادی دیگر نظراتی دارند و البته معتقدند که زمان شروع آموزش پیش از هفت سالگی است. ابوعلی سینا می‌گوید: "زمانی که کودک می‌تواند حرف بزند، قرآن را به او بیاموزید." بسیاری از بزرگان معاصر هم چون **شهید مطهری و شهید باهنر** نیز، زیر هفت‌سال را برای آموزش قرآن توصیه کرده‌اند.

مقام معظم‌رهبری در سال ۱۳۶۶ در سمناری درباره‌ی دوره‌ی پیش از دبستان فرمودند: "باور داشته باشیم کودکان ما بسیاری از مسائل معنوی را درک می‌کنند و آموزش آنان در این سن با روش‌های مناسب،

نه تنها مقبول بلکه ضروری است." بعد از این سخنان، خانم دکتر مفیدی با تأکید بر ضرورت‌های این دوره، به اشکالات موجود در کار و شیوه‌های آموزش و انس با قرآن کریم در دوره‌ی پیش‌دبستانی اشاره کرد و از یکی از مدعوین خواست، به وضع موجود و وضعیت مطلوب بپردازد.

نزدیک شدن به اصول برنامه

مسعود تهرانی‌فرجاد، از کارشناسان دفتر تألیف، قضاوت درباره‌ی وضع مطلوب و موجود را نیازمند مقدمات و بررسی‌های اولیه می‌داند. او گفت: "با این‌که برنامه‌ی جامع و برنامه‌ی قرآن پیش‌دبستانی به صورت غیرمتمرکز تولید و ارائه می‌شود، اما تابع

تهرانی فرجاد: با این‌که برنامه‌ی جامع و برنامه‌ی قرآن پیش‌دبستانی به صورت غیرمتمرکز تولید و ارائه می‌شود، اما تابع چارچوبی است که استان‌ها و مراکز آموزشی طبق آن به تولید محتوا می‌پردازند

دکتر مفیدی به‌عنوان دبیر جلسه، در تکمیل این موارد اضافه کرد: "از پنج مرحله‌ای که در تربیت دینی داریم، دو مرحله‌ی انس یا الفت و ایجاد عادت، در دوره‌ی پیش‌دبستانی شکل می‌گیرند. حال باید دید این دو مرحله با چه روش‌هایی باید پیاده شوند تا به نتیجه‌ی مطلوب برسیم."

از انس تا عادت

رضا مهدوی، از مربیان قرآن پیش‌دبستانی درباره‌ی ایجاد انس و عادت در کودکان گفت: "از مجموع روایات معصومین (علیهم السلام) و یافته‌های علمی و نظرات کارشناسان چنین برمی‌آید که می‌توان برای کودکان پیش‌دبستانی



مسعود تهرانی فرجاد

آموزش‌هایی را ترتیب داد. این آموزش‌ها در تربیت دینی به انس و در نهایت ایجاد عادت منتهی خواهد شد که مطلوب ما است. در آموزش این دوره‌ی سنی و آماده کردن کودکان برای کسب آموزش بحثی نیست، آن چیزی که در اینجا مهم است نوع آموزش و شیوه و روش آن است. طبیعتاً این آموزش‌ها باید غیرمستقیم و کودک‌محور باشد، یعنی مفاهیم آموزشی در قالب فعالیت‌هایی مانند: بازی، قصه، شعر، نمایش خلاق و ... به کودک منتقل شود.

نقش عامل انسانی که همان مربی فهیم و آشنا به ویژگی‌های کودک است، در انتقال این مفاهیم بسیار مهم است. بدیهی است در چنین فرآیندی نه فشار به کودک مطرح است و نه تحمیل و اجبار.

چارچوبی است که استان‌ها و مراکز آموزشی طبق آن به تولید محتوا می‌پردازند. طبیعتاً مشکلاتی هست، اما با فاصله گرفتن از اصول برنامه این مشکلات بیشتر می‌شود. برنامه به دنبال مانوس ساختن کودکان با قرآن است، نه ایجاد مهارت خاصی در آنان یا اجرای روش آموزش خاص."

تهرانی با اشاره به آموزه‌های دینی و محور علاقه‌ی کودک اضافه کرد: "براین‌اساس، نقطه‌ی آغاز تعلیم و تربیت پذیرش کودک و علاقه‌ی اوست. کسانی هم که برنامه را نوشته‌اند، این ویژگی را در نظر داشته‌اند. مؤلفه‌های انس با قرآن اعم از زمان، محتوا، ارزش‌یابی، تربیت نیروهای مجرب باید مدنظر باشد."

پس از اتمام سخنان آقای تهرانی، خانم



فریده عصاره

عصاره: استفاده از واژه‌های زبان‌فارسی برای آموزش قرآنی دیگر، با اصول آموزش قرآن مغایر است

دوره‌ی گذار

عصمت نورافشان از دوره‌ی پیش‌دبستان با نام "دوره‌ی گذار" یاد می‌کند؛ گذار از خانه به مدرسه. وی مریبی است و از سال ۱۳۷۹ در تألیف کتاب‌های پیش‌دبستانی مشارکت داشته است. می‌گوید: "در این سن، نوآموز از هر بلوری حساس‌تر و شکننده‌تر است. برخورد با او باید هوشمندانه باشد. انتقال کودک از محیطی چندنفره و خانوادگی به محیط بزرگ‌تر از مدرسه، برای وی سؤال‌برانگیز است. اگر در دوره پیش از دبستان آشناسازی و الفت کودک با محیط درست انجام نشود، مشکلاتی پیش می‌آید و سبب آسیب دیدن کودک می‌شود.

در جایی که من هستم، بچه‌ها دوزبانه‌اند و حتی گویشورانی هستند که زبان فارسی را بلد نیستند. اگر ما نتوانیم در چارچوب مشخص شده حرکت کنیم، احتمالاً نتیجه‌ی مطلوب نمی‌گیریم. روشن است که مستقیم‌گویی در این چاراهی ندارد و باید از بازی، نمایش، شعر و قصه یا کاردستی استفاده کنیم. باید طوری قرآن را آموزش دهیم که شخصیت کودک را راه تعالی پیش گیرد.

از طرف دیگر، در آموزش باید ظرفیت کودکان را در نظر بگیریم. اگر موضوعی خاص از قرآن، مثلاً احترام به پدر و مادر را با شعر و یا قصه تعریف کنیم و بگوییم این توصیه در کدام آیه یا سوره است، در حقیقت وظیفه‌ی خود را به بهترین شکل انجام داده‌ایم. بعضی مریبی‌ها به کودکان خواندن حروف را می‌آموزند و این به نظر من خارج شدن از اهداف پیش‌دبستانی است. در

ذکر این نکته بسیار مهم است که در نظام تربیت دینی ما این آموزش‌ها باید شکوفاکننده‌ی فطرت الهی در کودکان باشد که همان رویکرد برنامه‌ی دوره‌ی پیش‌دبستانی است. البته انتقال مفاهیم دینی ظرافت‌های خاصی دارد که در جای خود مهم و قابل توجه است

نکته‌ی دیگر حدیث معروف حضرت علی (ع) در مورد آموزش قرآن به امام حسن مجتبی (ع) است که می‌فرماید: در آغاز تربیت تو بر آن شدم که به تو قرآن بیاموزم. این که حضرت علی (ع) روی آموزش قرآن کریم تأکید می‌کنند، بسیار مهم است که پرداختن به آن مجال دیگری می‌طلبد.

سپس دبیر جلسه گفت: "همان‌طور که می‌دانید، ما در آداب و یا مسائلی مانند نماز یا احترام به پدر و مادر در واحدهای پیش‌دبستانی موفق هستیم. نگاه ما به محتوا و نحوه‌ی آموزش قرآن کریم، انس با آن است. دغدغه‌ی ما این است که از انس به عادت و از آن نیز به معرفت برسیم؛ هدف ما خواندن نیست. اما انحراف از آن‌جا شروع می‌شود که محتوا، شیوه‌های آموزش یا کسی که امر آموزش را برعهده دارد، آن‌گونه که باید باشد و موردنظر ما بوده، نیست. ما می‌خواهیم به عزت قرآن طوری در این دوره توجه شود که باعث شود تا کودکان از سطوح پایه، عشق به قرآن و شنیدن آوای دل‌نشین آن را به‌زیبایی هر چه تمام‌تر تجربه کنند."

سپس دکتر مفیدی از کارشناس دیگری خواستند تا نظرات خود را در این زمینه بیان کند

این سن ما نباید از کودک بخواهیم که قرآن بخواند."

بعد از صحبت‌های نورافشان، دکتر مفیدی گفت: "باید به توانایی کودکان در یادگیری توجه کرد. ما بزرگ‌ترها دوست داریم همه‌چیز را از پایه شکل دهیم. آیا واقعاً این همه مطلب با توان یادگیری کودک مناسب است؟ به نظر می‌رسد باید سعی کنیم که بهترین شیوه‌ی ارائه را پیدا کنیم.

در این دوره باید حواس بچه‌ها، شامل دیدن، شنیدن و امثال این‌ها تقویت شود. شما ببینید کدام شعر زیبا و صوت زیباست که بچه‌ها می‌شنوند و می‌توانند بنویسند. کدام قصه‌ی قشنگ را می‌توانند بنویسند؟ از همین جا دقت کنیم که زیبایی انس با قرآن، در شنیدن صوت زیباست. در حالی که ما آن را با آموزش زیرو زبرها در این سن نازیباً می‌کنیم. نمونه‌هایی از این روش را در سراسر کشور و کتاب‌های تهیه شده برای کودکان دیده‌ام که شاید خدای نکرده، راهی برای تخریب هستند.

اگر می‌گوییم انس و الفت و عادت باید شکل بگیرد، باید چگونگی آن را نیز بدانیم؛ به زور و اجبار نمی‌شود. او باید از شنیدن صوت نیکو لذت ببرد، به قرآن احترام بگذارد و به گفته‌هایی که از راه شعر، قصه یا نمایش می‌شنوند و می‌بینند، عمل کند. در غیر این صورت، بی‌زاری به‌وجود می‌آورد و انگیزه برای شروع کلاس اول هم کم خواهد شد. در این‌جا از سرکار خانم عصاره می‌خواهم که نظرات خود را بفرمایند."

مسائل کودکان دوزبانه

فریده عصاره کارشناس مسائل کودکان دوزبانه، انس با قرآن را ضروری می‌داند. به نظر وی باید اثری از دوره‌ی دبستان به کودکان این سن نشان داد تا آماده شوند. اما در بحث ایجاد انس و الفت در آموزش قرآن در دوره‌ی پیش‌دبستانی می‌گوید: "برای درونی شدن این آموزش‌ها، تأکید بر شنیدن است. بحث انس‌ورزی، موضوعی از جنس عاطفه و احساس است. اگر می‌خواهیم چنین عادت‌

بخواهیم از چالش به دور باشیم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که آیا در سراسر کشور، پژوهش‌های میدانی در مورد شیوه‌های آموزش قرآن و مؤثر بودن آن‌ها بر رفتار و اعمال کودکان صورت پذیرفته‌اند؟

با توجه به بحث‌های مطرح شده از سوی مدعوین، خانم دکتر مفیدی گفت: "تغییر بعضی سیاست‌های آموزشی از عهده‌ی ما خارج است. تصمیم‌گیری در این موارد نیز به نظر کارشناسی نیاز دارد. ما می‌توانیم تصمیم‌سازی کنیم، اما در سطح کشور و ملی اتخاذ تصمیم به نوعی دیگر است. پاسخ به این پرسش که تا چه حد در زمینه‌ی اثربخشی تدریس قرآن تحقیق شده و نتایج چه بوده است، نیاز به فرصتی دیگر دارد. دانشگاه‌ها نیز تحقیقاتی روی اثربخشی آموزش قرآن در این دوره انجام داده و پیشنهادهایی هم در این رابطه داشته‌اند؛ اما کافی نیست. ما در آغاز کار هستیم و باید آغازی زیبا داشته باشیم. اصولاً باید واژه‌ی **آغاز مطلوب** را برای این دوره اختیار کنیم. شکی نیست که آموزش قرآن را باید در همین دوره‌ی آغاز مطلوب، شروع کنیم. در این زمینه دوستان می‌توانند حتی مقالات خود را نیز ارائه دهند."

سپس وی از کارشناس دیگر جلسه خواست تا نظر خود را بیان کند.

اندیشمندانی هم می‌گویند آموزش قرآن تا پیش از سن بلوغ مصلحت نیست، چون ممکن است نتیجه‌ی عکس دهد و باعث دل‌زدگی شود. ضرورت تأثیرگذار بودن آموزش‌ها ایجاب می‌کند که از اصول خاصی پیروی کنیم. این اصول در "راهنمای فعالیت‌های آموزش و پرورش پیش‌دبستانی" آمده است. عدول از این راهنما، باعث ناهماهنگی‌هایی در حوزه‌ی اجرا می‌شود.

نورافشان: بعضی مربی‌ها به کودکان خواندن حروف را می‌آموزند و این به نظر من خارج شدن از اهداف پیش‌دبستانی است. در این سن ما نباید از کودک بخواهیم که قرآن بخواند

با توجه به این که در مرحله‌ی گذار هستیم و نحوه‌ی آموزش‌ها نیز چنین است، هنوز مطالعات روی مفاهیم ادامه دارد. ضروری است که محتوای آموزش‌ها متناسب با مراحل رشد و تجارب قبلی و بعدی نوآموزان (پایه‌ی اول) باشد. امروزه برای بیان مفاهیم باید از روش‌های غیرمستقیم، فعال و در عین حال

ایجاد شود، باید آزاد و غیرتحمیلی عمل کرد. این انس همراه با تصویر و شنیدن، با حسی خوب پایدار می‌ماند.

استفاده از واژه‌های زبان فارسی برای آموزش زبانی دیگر، با اصول آموزش قرآن مغایر است. یکی از آموزگاران پایه‌ی اول می‌گفت: مربی‌ها این آموزش را به غلط در ذهن بچه‌ها وارد می‌کنند که پاک کردن آن در پایه‌ی اول بسیار سخت می‌شود."



غصمت نورافشان

دکتر مفیدی، دبیر جلسه، بار دیگر بر تقویت حواس کودکان تأکید کرد و آن‌را از اصول اساسی کار شمرد. وی آموزش تدریجی توأم با مهربانی، آرامش، آزادی و انعطاف‌پذیری را مؤثرتر دانست و گفت: "اگر محتوایی هم هست برای آموزش مربی است و نه دستور کار عملی برای کودک." سپس خانم دکتر مفیدی از حسین چابک خواست تا نظرات کارشناسانه‌ی خود را بیان کند.

قانون و توانایی

حسین چابک، کارشناس دفتر آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش که اذعان می‌دارد در مطالعات خود به سن دقیقی برای آموزش پیش‌دبستانی دست نیافته است، اما می‌گوید: "**ابوعلی سینا** در کتاب **قانون** گفته است که قرآن باید به کودکان آموزش داده شود، اما متناسب با مراحل رشد و آن زمانی است که کودک رشد یافته و آمادگی‌های زبانی، شنوایی و تلقین‌پذیری را کسب کرده است. برخی این سن را شش سالگی می‌دانند.



مهدی امین جعفری و رضا مهدوی

هم‌قدمی با قرآن

منصوره سیدصالحی، مربی و مدرس قرآن، با ۲۰ سال تجربه‌ی کاری و تدریس در آموزشگاه‌های ضمن خدمت، از هم‌قدمی

باهیجان استفاده کرد که می‌تواند شعر، نقاشی، نمایش و داستان‌گویی باشد. این کارشناس اضافه کرد: "در اجرا باید از سلیقه‌های شخصی دور باشیم. به‌علاوه، اگر

حسین چابک



چابک: اگر بخواهیم از چالش به دور باشیم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که آیا در سراسر کشور، پژوهشی در مورد شیوه‌های آموزش قرآن و مؤثر بودن آن‌ها بر رفتار و اعمال کودکان صورت پذیرفته‌اند؟

آموزش انس با قرآن می‌گوید. او دوره‌های مکتب‌القرآن و مکتب‌الرضا را دیده و فرزند خود را در یک واحد پیش‌دبستانی با شیوهی حافظان وحی آموزش داده است. نتیجه‌ای که از تلفیق دو شیوه گرفته، بدین شرح است: "به این نتیجه رسیدم که باید آموزش



فریده فتاحی

حروف از شیوهی آموزش این مراکز حذف شود. چون حالا که آموزگار پایه‌ی دوم هستیم، می‌بینم آموزش‌های نارسا و گاه غلط حروف از دوره‌ی پیش‌دبستان، همراه با آموزش علائم، باعث می‌شود که یادگیری در دبستان دچار اختلال شود. خودم برای بچه‌هایم از چهارسالگی امکان آموزش قرآن را فراهم کرده‌ام و می‌بینم که دریافت پیام‌ها

در قالب بازی و فعالیت‌های شاد، اثربخش‌تر از خواندن صرف آیات است." با توجه به سخنان خانم سیدصالحی، سردبیر رشد آموزش پیش‌دبستانی افزود: "مطالبی که ایشان گفتند، همان دردهایی است که از آن‌ها صحبت می‌شود و ما می‌شنویم. عقیده‌ی ما هم این است که روش‌ها به سمت و سویی بروند که تعارض و بیزاری ایجاد نکنند. حالا خانم فتاحی نظر خود را بازگو کنند.

همه شیوه‌ها محترم هستند
فریده فتاحی، مدیر دارالقرآن جواد الائمه از اسلامشهر، به نمایندگی از مکتب‌الرضا می‌گوید: "همه‌ی شیوه‌ها محترم هستند. آموزش قرآن به هر شکل و نوع، به استعدادهای فردی بستگی دارد. مادر مکتب‌الرضا این آموزش‌ها را به طور غیرمستقیم داریم. در اسلامشهر مربی‌ها و افرادی که آموزش می‌بینند، هیچ شکایتی از شیوه و نتایج آن ندارند. اکثر افرادی که فرزندان‌شان را به دارالقرآن جواد الائمه می‌آورند، فرهنگیان هستند و بازخورد این موضوع نشان می‌دهد که نتیجه‌ی کار ما مثبت است."

فتاحی: همه‌ی شیوه‌ها محترم هستند. آموزش قرآن به هر شکل و نوع، به استعدادهای فردی بستگی دارد

پله‌ی ترقی در آموزش و پرورش کشور
در پایان نشست، دکتر مفیدی از موضوع‌ها و بحث‌های مطرح شده جمع‌بندی ارائه کرد و پله‌های اولیه‌ی ترقی در آموزش و پرورش کشور را، توجه به دوره‌ی پیش‌دبستانی دانست. او افزود: "با توجه به اهمیت انس با قرآن در دوره‌ی پیش‌دبستانی،

باید روش‌های موجود را ارزیابی کرد. باید دید روش‌های مطلوب چگونه روش‌هایی هستند. ضرورت دارد اشکالات محتوا و کار مربیان بررسی و رفع شوند. مراحل یادگیری قرآن شامل پنج مرحله است که دو مرحله‌ی ایجاد انس و علاقه و نیز عادت دادن در دوره‌ی پیش‌دبستانی شکل می‌گیرد.

سید صالحی: حالا که آموزگار پایه‌ی دوم هستیم، می‌بینم آموزش‌های نارسا و گاه غلط حروف از دوره‌ی پیش‌دبستان، همراه با آموزش علائم، باعث می‌شود که یادگیری در دبستان دچار اختلال شود



منصور سیدصالحی

در این جلسه گفتیم که نگاه ما به آموزش‌ها، غیرمستقیم است و این‌که آموزش خواندن ممکن است در کودکان ما بیزاری ایجاد کند. هدف ما از برنامه‌ی انس با قرآن، حفظ عزت قرآن است. در این دوره باید حواس بچه‌ها تقویت شود، چون دوره‌ای انسان‌ساز است. ضمن این‌که اصول اساسی فعالیت‌ها در این برنامه عبارت‌اند از: تدریجی بودن، آزاد بودن و همراه با مهر و محبت بودن. تأکید می‌شود که اگر محتوایی نیز وجود دارد، برای آموزش مربی است که چگونگی کار صحیح با کودکان را بیاموزد، کار عملی و مستقیم با کودک. به هر حال ما در آغاز کار هستیم و باید این پیش‌نیاز، یعنی پیش‌دبستان را به‌عنوان اولین پله‌ی ترقی کشور ارزشمند بدانیم."

نگاهی به نتایج یک پژوهش در شهر تهران

وضعیت تغذیه کودکان پیش دبستانی و تأثیر آن بر رشد شناختی، دقت و تمرکز و توانایی حل مسئله

نسترن مسعودنیا

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان

کلیدواژه‌ها:

تغذیه، گروه‌های غذایی، حل مسئله، تمرکز.

در این پژوهش، جامعه‌ی مورد مطالعه تمامی کودکان ۵ تا ۶ ساله‌ی دوره‌ی پیش دبستان شهر تهران بودند که در سال ۸۹-۱۳۸۸ زیر پوشش سازمان بهزیستی قرار داشتند. حجم نمونه، طبق اصول علمی و با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای، ۱۰۰ نفر تعیین شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از سه ابزار به شرح زیر استفاده کردیم:

الف) پرسش‌نامه‌ی وضعیت تغذیه‌ی کودکان که دارای ۴۰ سؤال ۵ گزینه‌ای در هفت بعد به این شرح بود: ۱. فرم اطلاعاتی کودک، ۲. وعده‌های غذایی، ۳. گروه شیر و لبنیات، ۴. گروه نان و غلات (کربوهیدرات‌ها یا مواد نشاسته‌ای)، ۵. گروه گوشت و حبوبات، ۶. گروه سبزی‌ها و میوه‌ها، ۷. تنقلات.

ب) آزمون رشد شناختی ردیف‌بندی کردن عملیاتی براساس نظام پیازه در سه مرحله‌ی عدم نگه‌داری ذهنی، نگه‌داری بینابینی و نگه‌داری ذهنی.

ج) خرده آزمون کلامی و کسلر (دقت و تمرکز).

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و نمودار) و برای آزمون سؤال‌های پژوهش از آمار استنباطی (آزمون t، فریدمن و رگرسیون چند متغیره) استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد:

۱. وضعیت تغذیه‌ی کودکان در گروه سبزی‌ها و میوه‌ها نامناسب و پایین‌تر از حد انتظار بود، ولی در سایر گروه‌های غذایی، شامل گروه شیر و لبنیات، گروه نان و غلات (کربوهیدرات‌ها یا مواد نشاسته‌ای) و گروه گوشت و حبوبات، بالاتر از حد انتظار و مطلوب بود.

۲. کودکان پیش دبستانی از بین گروه‌های غذایی، گروه شیر و لبنیات را بیشتر مصرف می‌کنند و سبزی و میوه‌ی چندانی نمی‌خورند.

۳. میانگین نمره‌ی قسمت اول پیازه (۳/۲۷) بین کودکان پیش دبستانی بیشتر و بزرگ‌تر از نمره‌ی قسمت دوم (۲/۴۵) آن است.

۴. نوع تغذیه کودکان پیش دبستانی بر میزان دقت و تمرکز آن‌ها دارای تأثیر معنی‌داری است.

۵. نوع تغذیه کودکان پیش دبستانی بر چگونگی حل مسئله توسط

آنان، اثر معنی‌داری دارد.



تحقیق حاضر، به راهنمایی دکتر فرخنده مفیدی و مشاوره‌ی

دکتر قدسی احقر در دانشگاه علامه طباطبائی

انجام شده است.

تغذیه

دکتر مرجان گودرزی

سالم کودکان

و مسئولیت

بزرگ ترها



- در این مقاله می‌خوانید:
- اصول تغذیه سالم برای کودکان؛
 - عادات بهداشتی تغذیه از دوران کودکی؛
 - اهمیت خوردن صبحانه به‌ویژه از سنین پایین؛
 - مسئولیت والدین و مربیان در تغذیه سالم برای کودکان؛
 - راهکارهای ویژه برای تغذیه سالم خانواده‌ها به عنوان منبع اساسی تشکیل عادات تغذیه‌ای سالم؛
 - توصیه‌های کاربردی برای گنجاندن میان‌وعده‌های سالم برای کودکان؛
 - پرهیز از غذاهای آماده، فوری و تنقلات غیر بهداشتی و ناسالم.



درآمد

کلید واژه‌ها: کودکان، تغذیه سالم، چربی، مواد غذایی، کلسترول، صبحانه، تنقلات.

بسیاری از بیماری‌های دوره‌ی بلوغ و سنین بالاتر، با تغذیه‌ی سالم در دوره‌ی کودکی قابل درمان یا پیش‌گیری هستند. عادت به تغذیه‌ی درست و سالم می‌تواند به طور قابل توجهی خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی، سکته، فشارخون بالا و دیابت و بعضی انواع سرطان‌ها را کاهش دهد. از این رو، والدین باید روش تغذیه‌ی سالم را از اوان کودکی به فرزندان خود بیاموزند. از این رو، استفاده از این راهکارها برای تغذیه‌ی سالم، به والدین و خانواده‌ها توصیه می‌شود:

اصول تغذیه‌ی سالم

- کودکان باید از رژیم غذایی متنوعی استفاده کنند. بدن به حدود ۵۰ ماده‌ی غذایی متفاوت نیاز دارد، تنها راه تأمین این ۵۰ ماده‌ی غذایی، مصرف غذاهای متنوع و مختلف است. چربی و روغن مصرفی در رژیم غذایی نباید از ۳۰ درصد کل کالری رژیم غذایی تجاوز کند. هر گرم چربی ۹ کالری دارد و کالری مورد نیاز کودکان ۱۰-۷ ساله حدود ۲۰۰۰ کالری در روز است. پس نباید در روز بیشتر از ۶۵ گرم چربی مصرف کنند.
- بیشتر غذاها حاوی مخلوطی از سه نوع چربی است: اشباع شده، غیر اشباع دارای چند پیوند دوگانه و غیر اشباع دارای یک پیوند دوگانه.
- چربی اشباع در غذاهای دارای منشأ حیوانی، مانند انواع گوشت و لبنیات و هم‌چنین در روغن نارگیل، کره، کاکائو و روغن خرما یافت می‌شود و در دمای اتاق، جامد است.
- چربی اشباع شده مسبب درجه‌ی اول بیماری سرخرگ کرونری است. مصرف چربی اشباع شده نباید بیشتر از ۱۰ درصد مصرف روزانه‌ی کالری باشد. اگر روزانه ۲۰۰۰ کالری مصرف کنید، نباید بیشتر از ۲۰ گرم چربی اشباع شده داشته باشد.
- چربی‌های دارای چند پیوند دوگانه در روغن‌های گیاهی و روغن ماهی یافت می‌شود. این روغن در دمای اتاق مایع است. روغن ذرت، روغن پنبه دانه، روغن کنجد، روغن آفتاب‌گردان و روغن سویا، منابع خوبی برای چربی‌های دارای چند پیوند دوگانه هستند.
- گاهی چربی‌های دارای چند پیوند دوگانه را هیدروژنه می‌کنند تا جامد شود که باعث تولید ترکیبی به نام "اسیدهای چرب ترانس" می‌شود که در بدن مثل چربی اشباع شده عمل می‌کند و کلسترول بد یا "LDL" را افزایش و کلسترول خوب یا "LDH" را کاهش می‌دهد.
- چربی‌های دارای یک پیوند دوگانه در روغن زیتون، روغن بادام‌زمینی، آووکادو، روغن کانولا و فندق یافت می‌شود که به نظر می‌رسد، این چربی‌ها کمتر از چربی‌های دیگر سبب افزایش سطح کلسترول می‌شوند.
- اگرچه چربی‌های دارای چند پیوند دوگانه از چربی‌های اشباع شده بهتر هستند، چربی‌های دارای یک پیوند دوگانه از چربی‌های دارای چند پیوند دوگانه نیز بهترند.
- کلسترول در لبنیات، تخم‌مرغ، کره، مایونز، جگر، میگو، سوسیس و ... وجود دارد. (یک تخم‌مرغ حدود ۲۱۳ میلی‌گرم کلسترول دارد).
- با خواندن برچسب محصولات غذایی از میزان کلسترول چربی‌های اشباع، غیر اشباع با یک یا چند پیوند دوگانه و چربی ترانس آن‌ها آگاه شوید.

عادات بهداشتی تغذیه

- برنامه‌ی غذایی کودکان نباید خیلی کم‌چربی باشد، چون آن‌ها به کالری تأمین شده از طریق چربی‌ها نیاز دارند تا به خوبی رشد کنند.
- کودکان باید بیشتر از کربوهیدرات‌های پیچیده استفاده کنند. به این منظور می‌توانید سبزی‌ها، میوه‌ها و غلات را به مقدار زیاد در غذاهای خود بگنجانید.
- مصرف کربوهیدرات‌های ساده مثل شکر، قند، آب‌نبات، شربت‌ها، شیرینی، شکلات و مرباها را در غذاهای خود محدود کنید. خوردن قند و شیرین‌کننده‌های مصنوعی برای کودکان مناسب نیست و آسیب‌های جدی دربر خواهد داشت.
- سبزی‌ها و میوه‌ها به عنوان منابع سرشار از ویتامین، مواد معدنی و فیبر خام باید به طور مرتب مصرف شوند.
- از مصرف نمک زیاد و مواد خوراکی و تنقلات شور باید خودداری شود. سعی کنید روزانه بیش از یک قاشق چای‌خوری نمک مصرف نکنید. به یاد داشته باشید، غذاهای آماده حاوی تعدادی نمک است که باید آن را هم در نظر بگیرید. موضوع استفاده‌ی کم از نمک و طعم دهنده‌ها، باید از همان کودکی از طریق خانواده آموزش داده شود.
- مصرف چای و قهوه و نوشابه‌های کافئین‌دار باید محدود شود.

● برنامه‌ی غذایی کودکان نباید خیلی کم‌چربی باشد، چون آن‌ها به کالری تأمین شده از طریق چربی‌ها نیاز دارند تا به خوبی رشد کنند

آن‌ها را برای حل تمرین افزایش می‌دهد. کودکان سنین پایین به انرژی زیادتری برای تحرک و جنب‌وجوش که از خصوصیات آن‌هاست، نیاز دارند که بخش اعظم آن از طریق صبحانه و در اول روز تأمین می‌شود.

صبحانه خوب و متعادل باید یک منبع انرژی نوری و یک منبع انرژی تدریجی داشته باشد تا کودک را از صبح تا وقت ناهار سرحال نگاه‌دارد. مقداری مربا که با صبحانه مصرف می‌شود، یا یک میوه شیرین، به سرعت به انرژی تبدیل می‌شود. نان یا سایر مواد نشاسته‌ای، شیر و مقداری کره یا خامه یا پنیر، به تدریج انرژی خود را آزاد می‌سازند و در طول صبح، نیروی لازم را برای فعالیت کودک تأمین می‌کنند.

برای این که کودکان صبحانه را با فرصت کافی و در آرامش صرف کنند، بهتر است آن‌ها را قدری زودتر از خواب بیدار کنید تا با کمبود وقت و شتاب‌زدگی روبه‌رو نشوند.

تنقلات

تنقلاتی مثل شیرینی، بستنی، آجیل و لقمه‌های کوچک، بین وعده‌های اصلی هستند که بین ۲۵ تا ۳۵ درصد از انرژی دریافتی روزانه‌ی کودکان را تأمین می‌کنند. وعده‌های کوچک بین غذاهای اصلی برای تجدید غذای کودکان لازم هستند، زیرا کودکان نمی‌توانند تمام نیروی لازم و نیازهای غذایی خود را در سه وعده‌ی اصلی به‌دست بیاورند. مربیان و مسئولان مهدهای کودک و مراکز پیش‌دبستانی باید به میان‌وعده‌های کودکان توجه کنند و کمبودها را با خانواده در میان بگذارند.

برای تأمین تغذیه‌ی سالم و متعادل برای کودکان، باید در وعده‌های اصلی به آن‌ها غذای کمتری داده شود تا در بین‌وعده‌ها، پیش از ناهار و هنگام عصر، به خوردن تنقلات و یک خوراکی کوچک عادت کنند.

چای با بیسکویت، کشمش و برگه‌ی میوه‌ها ارزش غذایی خوبی دارند. یک ساندویچ کوچک یا چند لقمه نان و پنیر به همراه کمی سبزی، گردو و میوه، موجب رفع گرسنگی می‌شود و به علاوه، مقداری از پروتئین، کربوهیدرات، ویتامین‌ها و املاح مورد نیاز بدن را تأمین می‌کند.

تنقلات مورد علاقه‌ی کودکان معمولاً خوراکی‌های شیرین یا چرب و شور است که ارزش غذایی زیادی ندارند. والدین

• کودکانی که برنامه غذایی مرتبی دارند و غذای خود را

در وعده‌های سه‌گانه همراه سبزی و میوه مصرف

می‌کنند تغذیه‌ی

خوبی دارند. اما

کودکانی که برنامه

غذایی منظمی

ندارند و با

مواد خوراکی

و تنقلات

کم‌ارزش یا

بی‌ارزش خود

را سیر می‌کنند،

بیشتر در معرض

بیماری‌های

سوءتغذیه و عوارض

کمبود ویتامین قرار

می‌گیرند. متأسفانه عادات

مصرف این نوع تنقلات کم‌ارزش از

طریق تبلیغات و فروشگاه‌ها میل به استفاده از

آن‌ها را در کودکان بالا برده است که والدین باید به این

موضوع توجه داشته باشند.



● **غذایی منظمی ندارند و با مواد خوراکی و تنقلات کم‌ارزش یا بی‌ارزش خود را سیر می‌کنند، بیشتر در معرض بیماری‌های سوءتغذیه و عوارض کمبود ویتامین قرار می‌گیرند**

اهمیت خوردن صبحانه

این وعده‌ی مهم بیشتر اوقات به واسطه‌ی کمبود وقت و

شتاب‌زدگی والدین و فرزندان برای رفتن به محل کار و مدرسه،

مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. توجه داشته باشیم:

• خوردن صبحانه‌ی خوب، دانش‌آموزان را به مدرسه و درس

بیشتر علاقه‌مند می‌کند.

• هنگام صبح پس از بیدار شدن از خواب و بعد از چندین

ساعت بی‌غذایی، قند خون یعنی منبع انرژی قوی بدن

کاهش می‌یابد و اگر از خوردن صبحانه خودداری شود،

قند خون کاهش بیشتری نشان می‌دهد.

• بررسی تأثیر صبحانه بر کارایی و قدرت یادگیری کودکان

و دانش‌آموزان نشان می‌دهد که خوردن صبحانه توانایی



باید با دادن تنقلات باارزش، مثل بادام، گردو، کشمش، برگه‌ی میوه‌ها و میوه، فرزندان خود را از خوردن مواد خوراکی بی‌ارزش منع کنند و این مواد خوراکی بی‌ارزش را در منزل و در دسترس آن‌ها قرار ندهند.

- اگر نکات مهم تغذیه را به زبان ساده به کودکان خود بیاموزید و نارسایی تنقلات چرب و شور یا شیرین را به آن‌ها یادآوری کنید، خواهند توانست غذای متعادل و سالمی برای خود انتخاب کنند و مشکلات کمتری در آینده داشته باشند.
- بعضی از بچه‌ها نسبت به شوخی‌ها و انتقادهای دوستان خود، از ساندویچ یا غذایی که به مدرسه و مهد کودک می‌برند، حساسیت دارند و گاهی در اثر حرف‌ها یا عادات‌های غذایی دوستانشان، به سمت خوردن تنقلات بی‌ارزش کشیده می‌شوند. بعضی والدین نیز نسبت به نحوه‌ی تغذیه‌ی کودکان خود بی‌توجه هستند و با بی‌خیالی آن‌ها را در انتخاب مواد خوراکی آزاد می‌گذارند. این کودکان تغذیه‌ی سالمی ندارند و برای کودک شما سرمشق خوبی نخواهند بود.

مسئولیت والدین و مربیان

- اگر به تغذیه سالم کودکان اهمیت می‌دهید، به او بیاموزید که پول توجیبی خود را صرف خرید تنقلات بی‌ارزش و غیربهداشتی نکند تا بتوانید به عنوان والدینی مسئول و مؤثر، رشد مناسب فرزندان را تضمین کنید و از او الگوی مناسبی برای سایر کودکان نیز بسازید.
- کودکان بخش قابل توجهی از وقتشان را در خارج از منزل می‌گذرانند و خود را با مواد خوراکی متفاوت سیر می‌کنند. پس تغذیه سالم در منزل اهمیت زیادی دارد. غذای کودکان در منزل باید متنوع و مغذی باشد تا نارسایی‌ها و کمبودهای غذایی را جبران کند.
- والدین عزیز، فرزندان دلبندمان در سال‌های حساس رشد خود در بهترین سن برای شکل دادن عادت تغذیه‌ای صحیح قرار دارند. پس بیاییم با آموزش و انتخاب مناسب میان وعده‌های آن‌ها در مدرسه، در پرورش کودکانی سالم و پرتوان نقش خود را به خوبی ایفا کنیم.

منابع

۱. شولمن، رابرت و می‌سی‌کر. بهترین کلبدهای تغذیه برای کودک و نوجوان. ترجمه‌ی جواد میدانی. صابرین. تهران. چاپ هشتم. ۱۳۸۴.
۲. ماندگار، محمدحسین. قلب سالم برای همه. مروارید. تهران. چاپ ششم. ۱۳۸۴.

آشنایی با متیولپمن بنیان‌گذار جنبش جدید فلسفه برای کودکان

دکتر فرخنده مفیدی



وی این کار را با دقت و ظرافت بسیار انجام داد و به کمک همکارانش، داستان‌هایی درباره‌ی فلسفه‌ی اکتشافی کودکان تنظیم کرد و کتاب «کشف هری استوتلمیر»^۲ را نوشت. وقتی آن‌را در سال ۱۹۷۰ به آزمایش گذاشت، به نظر می‌رسید به خوبی کارگر افتاده است. در پی آن، با کمک آن **مارگارت شارپ**^۳، یک کتاب راهنما که شامل صدها تمرین فلسفی بود، برای معلمان نوشت. آن کتاب هم به خوبی نتیجه بخش و مفید بود. سپس شهر کلمبیا را ترک کرد و «پژوهشگاه توسعه و پیشبرد فلسفه برای کودکان» را در دانشگاه دولتی «مونتكلیو»^۴ تأسیس کرد.

بعد از چند سال کتابی با عنوان «لیزا»^۵ که منحصراً به اخلاقیات مربوط می‌شد، به نگارش درآورد. این کتاب کامل‌کننده‌ی کتاب قبلی وی و **هوی** بود و به کودکانی اختصاص داشت که اندکی بزرگ‌تر شده بودند. طی سال‌های بعد، وی کتاب‌های بیشتر و بیشتری نوشت که هر کدام ویژه‌ی سطوح سنی خاصی بود. این کتاب‌ها را به همراه دستیاران و نیز کتاب‌های راهنمای کمک آموزشی ارائه داد. با توجه به طیف گسترده‌ی توجه به فلسفه و اندیشه‌ورزی کودکان از سال‌های پایه، مجموعه‌ی متنوعی از کتاب‌های نظری و عملی تألیف گردید و به وسیله‌ی انتشارات دانشگاهی، هم چون **تمپل**، **کمبویج** و **کالج معلمان** به چاپ رسیده است. «برنامه‌ی فلسفه برای کودکان»، علاوه بر فراهم آوردن کتاب‌های درسی متحدالشکل (داستان‌های فلسفی برای کودکان)، طرح آموزشی واحدی نیز دارد که در آن، دانش‌آموزان سطوح متفاوت، با قرائت یک بخش از داستان با صدای بلند، کلاس را آغاز می‌کنند. سپس سؤالاتی در مورد آن طرح می‌کنند و در مورد این سؤالات به بحث می‌نشینند.

روش کار شامل انتقاد متقابل و دو جانبه و ابراز عقیده با نهایت دقت و ظرافت است. مربی نیز این روش را به عنوان یک رهیافت آموزشی به رسمیت می‌پذیرد تا بدین وسیله کودکان را به سوی کنجکاوی و پژوهش فلسفی و فلسفیدن در امور مختلف و مسائل گوناگون سوق دهد.

به این ترتیب با کوشش وی و همکارانش، امروز **فلسفه برای کودکان**^۶ به عنوان فرعی از فلسفه برای کودکان رشد کرده است.

متیولپمن^۱ در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ در دانشگاه کلمبیا، واقع در نیویورک، به درجه‌ی استاد تمامی فلسفه رسید. او فکر می‌کرد که دانشجوینش فاقد قدرت استدلال، قدرت تمیز و داوری هستند. اما برای تقویت قابل ملاحظه‌ی قدرت تفکر آن‌ها، دیگر بسیار دیر شده است. تصور می‌کرد، این کار می‌باید در دوران کودکی انجام می‌گرفت؛ یعنی وقتی که کودکان باید اندیشه‌ورزی و تفکر را یاد می‌گرفتند. وی می‌گوید: «در آن زمان من بر این باور بودم که وقتی کودکان به سن ۱۱ یا ۱۲ سالگی می‌رسند، باید دوره‌های درسی در خصوص تفکر انتقادی را پشت سر بگذارند. از این رو به فکر افتادم که این کار باید در دوران کودکی صورت گیرد. اما برای تهیه‌ی موضوعی قابل فهم و مخاطب‌پسند، متون درسی باید به صورت داستان نوشته می‌شدند؛ داستانی درباره‌ی منطق اکتشافی کودکان.»



مروری بر برنامه‌ی فلسفه برای کودکان

دکتر ایراندخت فیاض

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز



کلید واژه‌ها: فلسفه برای کودکان، نهضت تفکر انتقادی، مهارت‌های تفکر، پرورش ذهن، روش تفکر

مقدمه

فلسفه عمیق‌ترین شکل تفکر بشری است و کودکان فیلسوف‌ترین موجودات روی زمین هستند که این خصیصه را در آغاز سن چهار سالگی با کنجکاو‌های بی حد و حصر خود به روشنی به نمایش می‌گذارند. فلسفه از حیرت آغاز می‌شود و کودکان متعجب‌ترین و حیرت‌زده‌ترین افراد در برابر پدیده‌های عادی و روزمره هستند. کودکان نه به لحاظ دانستن تاریخچه، آرا و نظریات فیلسوفان و هوش زیادشان، بلکه به خاطر ویژگی‌های بالقوه‌ای که در آن‌ها وجود دارد و مهم‌ترین آن پرسشگری است، به فیلسوفان کوچک تعبیر می‌شوند. آن‌ها را می‌توان در تعریف "دوست‌دار دانایی" که معنای اصلی "فیلسوف" است، از چراها و چگونگی‌های همیشگی‌شان تشخیص داد.

برای کودکان، فلسفه یک فعالیت تلقی می‌شود که طی آن، مهارت‌هایی را که فلاسفه برای درست فکر کردن به کار می‌گیرند، در یک منظومه‌ی کوچک‌تر تجربه و آزمایش می‌کنند. در برنامه‌ی فلسفه برای کودکان نیز تلاش می‌شود که کودکان تا جایی که ممکن است، بین مفاهیم رابطه برقرار سازند، روابط و هم‌بستگی‌ها را کشف کنند و بتوانند ساختارهایی را برای فهم و شناخت به‌وجود آورند؛ تا از این رهگذر فرصت‌های بیشتری را برای طرح‌ریزی تجربه‌های آینده در اختیار گیرند. لازمه‌ی رشد فکری، باز بودن دریچه‌های فکری، گستردگی و گشودگی افق اندیشه و انعطاف‌پذیری است تا بر این مینا، فرد توانایی بررسی اندیشه‌های گوناگون و حتی اندیشه‌هایی را که در تعارض هستند، در خود دریابد.

جایگاه فلسفه در زندگی کودکان

ریشه‌های جایگاه فلسفه در نیازهای مشترک مردم است. اگرچه فیلسوف نیستند، ولی از این نیازها آگاه‌اند. کودکان همواره در پی

کلید واژه‌ها: متیو لیپمن، فلسفه برای کودکان.



● با کوشش وی و همکارانش، امروز فلسفه برای کودکان به عنوان شاخه‌ی فرعی از فلسفه برای کودکان رشد کرده است

به این معنا که فلسفه نه فقط به واسطه‌ی داستان‌های نوشته شده برای کودکان، بلکه از طریق بحث و گفت‌وگو درباره‌ی آرای فلسفی رشد کرده است. در نهایت، برنامه‌ی فلسفه برای کودکان در دنیای امروز، قصد دارد کودکان را به عنوان فیلسوفان جوان پرورش دهد تا از فلسفه به منظور بهبود بخشیدن به یادگیری همه‌ی موضوعات موجود استفاده کنند. کارگاه‌های متفاوتی در دنیا در این زمینه شکل گرفته‌اند که بدون شک در تبادل اطلاعات و روشننگری فلسفه برای کودکان سهم بسیار زیادی داشته و دارند. امید است دوره‌ی پیش از دبستان نیز بتواند از این برنامه‌ها به همت برنامه‌ریزان و مسئولین بهره گیرد. کتاب‌های متعددی نیز برای گروه سنی ۳-۷ سال خاص کودکان کودکستانی و آمادگی در حوزه‌ی فلسفه و حوزه‌ی آموزش زبان توسط همکاران لیپمن در دسترس است.

پی‌نوشت

1. Matthew Lipman
2. Harry Stottlemeier
3. Ann Margaret Sharp
4. Mamtclair
5. Lisa
6. P4C

یافتن توضیحاتی برای پدیده‌های اطراف خود هستند و می‌خواهند چگونگی، چرایی و چیستی آن‌چه ناآشناست را بدانند. این کنجکاوی شدید غالباً با فزونی سن از میان می‌رود، اما کسانی که آن را برای همیشه از دست بدهند، بسیار اندک‌اند. فیلسوف کسی است که اندیشه‌های پذیرفته شده و رایج را زیر سؤال می‌برد و جست‌وجوی راه‌حل‌های تازه را نه گاه‌به‌گاه، بلکه همواره پیشه‌ی خود می‌سازد. ما انسان‌ها همیشه به تصمیم‌گیری نیاز داریم و در زندگی با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شویم که ناگزیریم تصمیم بگیریم. چاره‌ای هم نداریم جز آن‌که راهی را برگزینیم و به آن عمل کنیم. برنگزیدن به خودی خود گونه‌ای برگزیدن است؛ یعنی گزینش برنگزیدن است. زیستن بدون گزینش محال است. از این‌رو، نیاز اساسی داریم که بدانیم چگونه برگزینیم و بدانیم گزینش‌هایمان را چگونه به هم بپیوندیم. از آن‌جا که تنها نیستیم و در جامعه زندگی می‌کنیم، هم‌چنین باید بدانیم تصمیم‌های دیگران را چگونه بفهمیم و تصمیم‌های خود را چگونه با تصمیم‌های دیگران مربوط سازیم. انورا و هوسله، ۱۳۸۷].

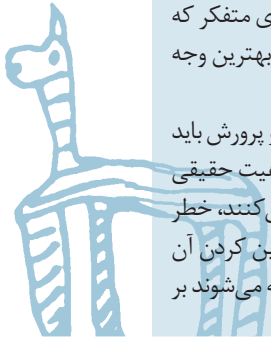
براین اساس، یکی از کارکردهای فلسفه برای کودکان فراهم آوردن بستری است تا آن‌ها این مهارت‌ها را بیاموزند و در یک منظومه‌ی کوچک آن را در معرض آزمایش و تجربه قرار دهند. هدف این نیست که کودکان را به فیلسوفانی کوچک تبدیل کنیم؛ بلکه این است که به آن‌ها کمک شود تا تفکری بهتر از قبل داشته باشند. هر چه بیشتر در گوش دادن فعال و صحبت کردن مهارت یابند و به فعالیت ذهنی، مهارت‌های تفکر، استدلال، داوری و قضاوت پردازند.

پرورش ذهن به کمک چالش‌های عقلانی، نه فقط وسیله‌ای برای لذت بردن و موفقیت در دنیای شدیداً رو به تغییر است، بلکه می‌تواند به پرورش قابلیت‌ها و فضائل اخلاقی و عقلانی بینجامد. فضایل عقلانی را می‌توان مجموعه‌ای پیچیده از صفاتی مانند کنجکاوی، اندیشه‌وری، جرئت عقلانی و پشتکار در زمینه‌ی جست‌وجوی حقیقت، تمایل به استدلال و تجزیه و تحلیل، قضاوت و خوداصلاحی، داشتن گشاده‌دلی در برابر دیدگاه‌های دیگران و خردپروری از طریق تمرین دانست. برنامه‌ی فلسفه برای کودکان می‌تواند وسیله‌ای باشد که به کمک آن، قابلیت‌هایی هم‌چون داشتن ذهن باز، پشتکار، رعایت احترام دیگران، و خودآزمایی در منش انسان نهادینه شود. به مثال زیر که نمونه‌ای از برنامه‌ی فلسفه برای کودکان است، توجه کنید:

پدری با کودک سه ساله‌ی خود در خارج از خانه بود. کودک ناگهان برای اولین بار اسبی را دید. به پدر گفت: "نگاه کن پدر، یک سگ بزرگ آن‌جاست."

پدر خندید و پاسخ داد: "نه پسر، آن یک اسب است."
بعدها وقتی پدر خاطره‌ای از آن روز را در ذهن خود مرور می‌کرد، آرزو کرد کاش با تجربه‌ی بصری فرزند خود کاملاً متفاوت برخورد کرده بود. او می‌توانست جملات دیگری به کار برد؛ مانند این‌که: "او چهار پا دارد، درست مانند سگ. چه چیز دیگر این حیوان مانند سگ است؟"





استدلالی را به کار گیرند.

فکر کردن می تواند هم لذت بخش باشد و هم سودمند. دلیل این که چرا باید اندیشه کردن و یادگیری مهارت ها را پرورش داد، آن است که این ها ابزاری یا عملیاتی^۲ هستند که توفیق فرد و جامعه به آن بستگی دارد. مهم ترین منبعی که هر جامعه دارد، منابع عقلانی مردمان آن است. جامعه‌ی موفق عبارت است از جامعه‌ی متفکر که در آن، قابلیت های یادگیری مادام العمر شهروندان به بهترین وجه تحقق یافته باشد [فیشر، ۱۳۸۸].

با استدلال هایی که پیش از این گفته شد، آموزش و پرورش باید فرایندی باشد که از طریق آن، کودک به تدریج با ماهیت حقیقی انسان آشنا شود. آن چه کودکان در مدرسه ملاحظه می کنند، خطر همیشگی کنار گذاشتن تفکرات واقعی آنان و جایگزین کردن آن با تفکرات معلمان یا همسالان است. کودکان برانگیخته می شوند بر

آن چه روزگاری **هایدگر**

"مسموعات" نامیده بود، تأکید کنند؛ یعنی به اندیشه ها و تجربیات دسته دوم که به آن ها "داده می شود" متکی باشند. بدون آن که از آنان بخواهند، آن چه را که می دانند، ارزیابی و تعبیر و تفسیر کنند؛ به گونه ای که آن ها را کاملاً درونی سازند [بونت، ۱۹۹۴].

لازم است کودکان را به اندیشه کردن در راه هایی ترغیب کنیم که فردیت اصیل آن ها را منعکس سازد. اصیل بودن به معنای آن است که شخص در اندیشه های دیگران به شیوهی هم رنگ جماعت شدن، گرفتار نشود یا در دست مسموعات بیرحم به صورت ابزار در نیاید. بلکه از مسئولیت اندیشیدن برای خودش و برخورداری از حق خوداظهاری به عنوان یک شخص، آگاه باشد. به طوری که پاتریک ۱۱ ساله می گوید: "اگر نتوانم فکرم را بیان کنم، چرا باید دلواپس فکر کردن باشم؟"

تفکر نیاز به محرک دارد. محرک می تواند داستان، مسئله یا سؤال باشد. داستان های مورد استفاده برای کودکان پیش دبستان می تواند آن ها را ترغیب کند در مورد مفاهیم و شیوه های فلسفی که مستقیماً به تجربه ی آنان مربوط می شود، به کندوکاو بپردازند. به عبارت دیگر، داستان، فلسفه را در قالب شخصیت های داستانی ارائه می دهد. اگر داستان ها درباره ی موضوع ها یا حوادث جذاب و مبارزه طلبانه برای کودکان باشند و در عین حال ارتباط خود را با تجارب زندگی روزمره ی آنان حفظ کنند، آن ها از داستان ها لذت می برند و به وسیله ی آن ها

یا: "این یک اسب است، چیزی که تو تا حالا ندیده بودی. تفاوت سگ با اسب چیست؟"

آن چه پدر در انجامش ناکام مانده بود، گسترش قدرت ژرف نگری و گمانه زنی کودک بود. یک تغییر زیان بار که می تواند در تمام طول حیات فرد ادامه یابد، غالباً در حدود سه یا چهار سالگی رخ می دهد. کودک یاد می گیرد که پاسخ های مبتنی بر حدس و نوآوری را، در زمانی که تلاش های او مورد قبول قرار نمی گیرد، متوقف کند. او در عوض سؤالاتی را مطرح می کند از این قبیل: "پدر این چیست؟" او یاد می گیرد که پاسخ ها در آن چه که خودش فکر می کند نیستند، بلکه در آن چه والدین یا معلم فکر می کنند، قرار دارد. به جای این که فرد به طور مستمر به ایجاد ارتباط ها، حدس زدن و نوآوری ها بپردازد، کنون یادگیری او به طور نامحسوسی از یادگیرنده به معلم تغییر جهت می دهد. و به جای افزایش مداوم مهارت های خود ارزیابی، ارتباط، مقایسه و تغییر و تبدیل اطلاعات، کودک به طور انفعالی عمل می کند و به اقتدار دیگران تکیه خواهد کرد. اگر جواب دقیق را نداند یا چیزی را که مشاهده کرده است کاملاً درک نکند، منتظر توضیح دیگران می ماند. [فیشر، ۱۳۸۶]

تفکر

بر اساس آن چه گذشت، روش تفکر فلسفی و اندیشه ی درست، یک ضرورت بنیادی در تعلیم و تربیت است که نه تنها مورد نیاز و خواست آینده است، بلکه از جمله نیازهای زمان حاضر نیز محسوب می شود.

کیفیت زندگی و یادگیری ما به کیفیت اندیشیدن ما بستگی دارد. اگر بتوانیم اندیشیدن بهتر را به شیوه ای منظم پذیرش کنیم، در آن صورت بدون شک بهتر فکر خواهیم کرد. یک دلیل که همواره برای آموزش تفکر ارائه می شود، این است که اندیشیدن در ذات رشد و پرورش انسان نهفته است و هر کس حق دارد، به پرورش قوای عقلانی خود بپردازد. آموزش تفکر بدان سبب به یک هدف تبدیل می شود که همه حق داریم توانایی هایی را که تشکیل دهنده ی فردیت ماست، پرورش دهیم. پرورش ذهن، بخشی از تربیت ماست؛ زیرا بخشی از انسانیت ما را تشکیل می دهد. طبق این دیدگاه، کنش کلیدی آموزش و پرورش عبارت است از آموختن تفکر انتقادی، خلاق و مؤثر به کودکان [فیشر، ۱۳۸۸].

کودکان به طور طبیعی مجذوب نگرش ها و عقاید افراد مهمی می شوند که در کنار آنان زندگی می کنند. ساختارهای اعتقادی بزرگسالان در عمل به آنان تحمیل می شود و کودکان متکی شدن به اعتقادهای دیگران را کم کم فرا می گیرند. اگر قرار است که کودک "فراخ اندیش" و منتقد بار آید، نباید قدرت فکری او به دست شانس سپرده شود. کودکان باید یاد بگیرند، چه زمانی سؤال کنند، چه گونه سؤال کنند و چه سؤالاتی بپرسند. کودکان باید یاد بگیرند که چگونه استدلال کنند، چه زمانی از استدلال بهره بگیرند و کدامین روش

کودک کودک است، بزرگ کوچک نیست!

مسعود تهرانی فرجاد
عکس: غلامرضا بهرامی



چگونه قرآن را به کودک پیش دبستانی (۶-۵ ساله) معرفی کنیم؟

در آغازین سال ورود کودک به فضای تعلیم و تربیت، این گروه سنی را چگونه و با چه برنامه و هدفی با قرآن کریم مواجه کنیم؟ گل وجود کودکانمان را چگونه در پرتو قرآن کریم شکوفا نماییم؟ برنامه ریزی اولویت‌های مادر چگونه گام برداشتن این مسافر کوچک در حوزه یاددهی-یادگیری قرآن کریم چیست؟ آنچه مسلم است، کودک پیش دبستانی ما در آغاز راه یادگیری است. ضمن تأکید بر توجه به تمام ویژگی‌های روان‌شناختی در نوآموز ۶-۵ ساله‌ی پیش دبستانی، آن‌چه اغلب صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران برنامه‌ی آموزش قرآن در دوره‌ی پیش از دبستان بر آن اتفاق نظر دارند، توجه به رویکرد "انس با قرآن کریم و علاقه به یادگیری آن" در این دوره است. راهنمای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره‌ی پیش دبستان، مصوبه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش است.

حال چگونه قرآن را به کودک معرفی کنیم تا به انس او با قرآن کریم منجر شود؟ به نظر شما "نقطه‌ی آغاز" آشنایی و مواجهه

ترغیب می‌شوند به اندیشیدن و کندوکاو پردازند. هنگامی که گروهی از کودکان درباره‌ی داستانی بحث می‌کنند، داستان به وسیله‌ی نقلیه‌ای تبدیل می‌شود که بچه‌ها آن را کنترل می‌کنند و نه بزرگ‌ترها. خلاف کتاب‌های درسی سنتی، داستان متعلق به کودکان است و آن‌ها از داستان برای تعیین مفاد/برنامه‌ی بحث و کندوکاو فلسفی استفاده می‌کنند. برای مثال، در داستان بیمارستان عروسک‌ها، دختر کوچکی که به پیش دبستانی می‌رود، یک روز عروسکش را در خانه جا می‌گذارد و در بین راه از مادرش می‌خواهد که برگردند و عروسک را بردارند. مادرش می‌گوید که دیر به سرکار می‌رسد. دختر، هم دلش می‌خواهد که عروسکش را با خود به مهد کودک ببرد و هم می‌خواهد که مادرش دیر نرسد... این کودک چگونه این تعارض و دوگانگی خواسته‌اش را حل می‌کند؟ این موضوع به لحاظ نزدیکی با تجربیات کودکان، باعث رغبت کودکان برای بحث و گفت‌وگو می‌شود. یکی از راه‌های مؤثری که می‌تواند به کودکان کمک کند، درگیر کردن آن‌ها از لحاظ عاطفی و ذهنی با زندگی شخصیت‌هایی است که فرایند کندوکاو را اجرا و الگوسازی می‌کنند. لزومی ندارد که این شخصیت‌ها قهرمان زن و مرد یا افراد شروری باشند که در بسیاری از آثار ادبی کلاسیک کودکان وجود دارند. بلکه می‌توانند در قالب بچه‌های معمولی مانند خود ایشان ارائه شوند. این شخصیت‌های تخیلی، در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که به یک استدلال، قیاس یا تمایز صحیح نیاز دارند، یا به بررسی پیش فرض‌ها و مفاهیم می‌پردازند. آن‌ها با تفکرات، گفته‌ها و اعمال‌شان نشان می‌دهند که به ایده‌ها اهمیت می‌دهند و قدر خوب فکر کردن را می‌دانند؛ اگرچه همواره مصداق این امر را در رفتارشان آشکار نکنند. اگر کودکان را تشویق کنیم تا با فرایندهای ذهنی این شخصیت‌ها ارتباط برقرار کنند، آن‌ها نیز شیوه‌های کندوکاو را در پیش می‌گیرند و برای آن نیز ارزش قائل می‌شوند. داستان‌های فلسفی را می‌توان برای سنین متفاوت نوشت.

پی‌نوشت

1. montclair
2. open-minded
3. Instrumental

منابع

۱. فیشر، رابرت (۱۹۴۳). آموزش تفکر. ترجمه‌ی غلامعلی سرمد (۱۳۸۸). گاج، تهران.
۲. نورا، ک و هوسله، ویتوریو (۱۳۸۷) محفل فیلسوفان خاموش. هرمس. تهران. چاپ اول.
3. Bonnet, M(1994). Childrens Thinking: promoting understanding in the primary school. London; institute of education.



کودک با قرآن کریم کجاست؟

دقت کنیم سخن از "نقطه‌ی آغاز است" نه "پایان راه" و پیش‌دبستانی دروازه‌ی ورود کودک به دنیای تعلیم و تربیت است. بر این اساس، فرایند ایجاد انس با قرآن کریم در کودک پیش‌دبستانی چگونه باید باشد تا به تحقق این علاقه در وجود وی بینجامد؟ که قرآن را واقعاً دوست داشته باشد و زمینه‌ساز این نگرش برای بزرگسالی او شود که قرآن کریم را کتاب زندگی بداند؟

به این منظور، ضروری است شرایط و ویژگی‌های کودک را خوب درک کنیم و همواره به خود یادآور شویم که: "کودک کودک است، بزرگ کوچک نیست."

اجازه دهیم کودک در ابتدای ارتباط و آشنایی با قرآن، این فرصت را داشته باشد که در حد توان و درک کودکانه‌اش، بداند که قرآن دارای قصه‌های شیرین و پیام‌های رفتاری، اخلاقی و کاربردی است و فقط کتابی برای خواندن و ثواب بردن نیست تا تصویری زیبا و دوست‌داشتنی از قرآن در ذهن او نقش ببندد.

به این منظور، در انتخاب و تولید محتوای قرآنی برای کودکان این سنین، باید فرایندی منطقی، اصولی و بر مبنای اولویت‌هایی در نظر گرفته شود. این نمودار فرایند مناسبی را به ما نشان می‌دهد که در برنامه‌ی انس با قرآن کریم، مصوبه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش نیز به آن تصریح شده است:

علاقه به شنیدن قرائت زیبا و جذاب آیات قرآن کریم و سرودها و اشعار قرآنی



علاقه به حفظ برخی آیات و سوره‌های کوتاه قرآن همراه با درک و فهم کودکانه‌ی آنها



آشنایی با برخی آموزه‌های اخلاقی، رفتاری ساده و کاربردی قرآن یا درباره‌ی آن



علاقه به شنیدن داستان‌هایی از قرآن یا درباره‌ی قرآن کریم



علاقه به یادگیری خواندن عبارات ساده و کوتاه از طریق "کلی خوانی" در محدوده برخی آموزه‌های قرآنی

بر اساس فرایند فوق، در دوره‌ی پیش‌دبستانی همواره باید بر تقویت حواس، به‌ویژه "حس شنیداری" تأکید شود. به طوری که حتی در مرحله‌ی "کلی خوانی" نیز، کودک با شنیدن تلفظ صحیح کل کلمه یا عبارت قرآنی، همراه با تصویر یا تصاویر مربوط به آن، با هدف ایجاد ارتباط با معنا و مفهوم عبارت یا کلمه‌ی قرآنی، به توانایی نسبی در تشخیص شکل کلی کلمه یا عبارت برسد و اصطلاحاً بتواند "کلی خوانی" کند. مهارت خوب شنیدن از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین مهارت‌هایی است که در فرایند یاددهی - یادگیری و در نخستین سال‌های یادگیری - هفت سال اول زندگی - باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

سخن آخر این که با پرهیز از شتاب‌زدگی، این فرصت را به همه‌ی کودکان پیش‌دبستانی بدهیم که بر اساس مهارت‌های شفاهی، به‌ویژه خوب شنیدن، در فرایندی متعادل و منطقی، با قرآن "مأنوس" شوند، به یادگیری آن علاقه پیدا کنند و در ادامه‌ی راه و برای سال‌های آتی و بزرگسالی‌شان، این علاقه را حفظ کنند؛ ان‌شاءالله.



درآمد

سؤالات این بخش توسط سردبیر پاسخ داده می‌شود. از خوانندگان عزیز و مربیان گرامی و والدین علاقه‌مند خواستاریم تا سؤالات خود را در ارتباط با کودکان از بدو تولد تا ۶ سالگی هم‌چنان به آدرس مجله ارسال نمایند تا در نوبت پاسخ‌گویی قرار گیرد.

افزایش مهارت‌های استقلال

پاسخ به پرسش یک مادر درباره‌ی چگونگی آموزش توالت رفتن به کودک



مشاور عزیز

کودکم اکنون چهار سال دارد، ولی هنوز در رفتن به توالت مستقل نشده‌است. آیا مشکلی دارد و یا من در آموزش او کوتاهی کرده‌ام؟ برای آموزش توالت رفتن چه کارهایی باید بکنم تا مرا به موقع خبر کند؟

مادر عزیز

همه‌ی کودکان به یادگیری مراقبت از خود نیاز دارند. اگر کودک شما از عهده‌ی بعضی از امور مربوط به خود، مثل پوشیدن و درآوردن لباس، بر نمی‌آید، مسلماً بدون یاری و کمک شما و بزرگ‌ترهای دیگر نیز نمی‌تواند به توالت برود. زیرا همیشه مجبور به اتکا به فردی است که او را برای کارهای روزانه‌اش آماده کند؛ فردی که لباس‌های کثیفش را از تن خارج کند و او را برای خواب آماده سازد و در بستر بخواباند. بنابراین لازم است که از سال‌های اولیه و خیلی زودتر از چهار سالگی، به انجام کارهای خود عادت کند. شما هم او را به انجام کارها به‌طور مستقل تشویق کنید.

توالت رفتن مهارتی است که باید به مرور یاد گرفته شود. این مهارت را به گام‌های کوچک‌تری تقسیم کنید. قبل از آموزش چگونگی استفاده از توالت به کودکان، موارد زیر را به خاطر داشته باشید.

● یادگیری کنترل مثانه و ادرار تا حد قابل ملاحظه‌ای در کودکان متفاوت است. همه‌ی آموزش‌ها در این مورد، به رشد جسمی آنان بستگی دارد. ماهیچه‌هایی که عموماً به کودک در نگهداری و کنترل متناسب ادرار کمک می‌کنند، معمولاً بعد از یادگیری راه رفتن، می‌توانند اعمال خود را به درستی انجام دهند. بنابراین هرگونه آموزش در این راه باید فقط به هنگام آمادگی کودک از این نظر آغاز شود.

● هرگونه آموزشی باید به آرامی، مستمر و بدون فشار وارد کردن صورت گیرد.

● هرگز از خشم و ناراحتی خود برای کنترل وی به‌هنگام خیس کردن و یا کثیف کردن استفاده نکنید.

● او یاد دهید که نیاز به توالت رفتن را به شما اطلاع دهد.

● هر وقت به شما نیاز خود را به توالت اطلاع داد، او را تشویق

کنید

● سعی کنید مهارت‌های استقلال و خودیاری را در او افزایش دهید. بگذارید با نظارت شما و بزرگ‌ترها، کارهای دیگر خود مثل لباس پوشیدن، لباس درآوردن، حمام کردن، شست‌وشو و غذا خوردن را نیز مستقلانه انجام دهد و خود را نیز عادت دهید که بدون اضطراب، خطاهای اندک او را بپذیرید.

● راه‌های متفاوتی برای بالابردن اعتماد به نفس و استقلال وجود دارد که قبلاً نیز در این مهم به آن‌ها اشاره شده‌است. آن‌ها را به کار بگیرید تا کودک شما خودشناسی بهتری داشته باشد. به کارهایی که به‌طور مستقل انجام می‌دهد، نیز اعتماد بیشتری پیدا کند و به شما وابسته نشود.

البته سؤال شما وضعیت کودک‌تان را به درستی مشخص نکرده‌ است. آیا اکنون به مهد کودک می‌رود؟ اگر از نظر جسمی و حرکتی دشواری خاصی نداشته باشد، نباید خود را چندان نگران کنید. زیرا با دادن الگوی صحیح و تشویق و به کمک فنون استقلال، کودک بر این مشکل فائق خواهد آمد. ضمناً، چنانچه از نظر اجتماعی مهارت‌های لازم را کسب کرده‌ است و به مهد کودک می‌رود، در آن جا مربیان خوب و خدمت‌گزاران باتجربه، کودکان را به درستی برای رفع نیاز کنترل مثانه و دفع، راهنمایی خواهند کرد. به‌طوری که تقریباً تمامی کودکان چهار ساله در مراکز فرهنگی و آموزشی کودکان، از کودکان دیگر نیز الگو می‌گیرند و تجربه‌ی ناخوشایندی از این نظر در این مکان‌ها مشاهده نشده‌ است.

در پایان نباید احساسی ناخوشایند در خود داشته باشید که کوتاهی کرده‌اید و خدای ناکرده، مشکل غیر قابل حلی ایجاد شده‌ است. بلکه با آرامش و طبق برنامه‌ی زمانی منظمی، به او گوشزد کنید که نیاز خود را به توالت رفتن به شما خبر دهد. و یا شما به هنگام بازی و با فعالیت‌های دیگر، او را برای انجام این کار راهنمایی کنید و با خوش‌رویی او را در انجام کار خود هدایت کنید. اطمینان داشته باشید که همه چیز به درستی پیش خواهد رفت.

چنانچه به‌مهد کودک نمی‌رود، سعی کنید با توجه به امکانات خود، محیط نزدیک و مناسبی را برای او بیابید تا با دیگر کودکان نیز ارتباط بگیرد و از نظر اجتماعی، استقلال لازم را به دست آورد و به شما وابسته نشود.



با کودک خود صحبت کنید

پاسخ به پرسش یک مادر بزرگ
درباره‌ی دیر صحبت کردن کودک

سر دبیر

راهنمای عزیز

من در مورد نوهام سئوالی دارم. نوه‌ی پسری من، دختری است که حدود یک سال ونیم سن دارد، ولی هنوز فقط کلمه‌ای شبیه به بابا را ادا می‌کند. البته او واقعاً می‌فهمد و هر چه را به او می‌گوییم، درک می‌کند، مثلاً اگر بگوییم وقت غذاست، سفره را نشان می‌دهد، ولی هنوز مامان و یا کلمات دیگر را یاد نگرفته است. آیا مشکلی دارد؟ به من بگویید چه باید بکنم؟

مادر بزرگ عزیز

سلام! وقت شما در رشد و پرورش نوه‌ی عزیزتان جای تبریک دارد. مطمئناً عروس خوبتان می‌تواند از تجربیات شما بهره‌ی فراوانی ببرد.

یادگیری زبان و گفتار، به یکباره صورت نمی‌گیرد. کودکان معمولاً صداهای حلقی فراوانی را از ماه‌های اولیه ادا می‌کنند که اگر چه هدفمند نیست، اما چنانچه مورد توجه قرار گیرند و نسبت به آن‌ها واکنش مناسب نشان دهیم آغازگر صداهای هدفمند بعدی خواهند شد. همه‌ی کودکان غان و غون، بغ، بغ، بل بل و صداهای متفاوتی را ادا می‌کنند. به همراه کودک این صداها را تکرار و او را به انجام این کار تشویق کنید و با بازی صدا، فعالیتی لذت‌بخش را برای خود و کودک فراهم آورید.

چنانچه کودکمان مشکل هوشی، شنوایی و ادراکی نداشته باشد، روال طبیعی رشد زبان و مراحل آن را طی خواهند کرد. به یاد داشته باشید که درک زبان قبل از صحبت کردن صورت می‌پذیرد. یعنی کودک قبل از این که بتواند کلمات را در جای خود استفاده کند، معمولاً درک خود را از آن‌ها به صورت‌های متفاوت نشان می‌دهد. فکر می‌کنم نوه‌ی شیرین شما اکنون در مرحله‌ای است که به شما، درک خود را از محیط اطراف، اعمال و رفتارها به درستی نشان می‌دهد و مطمئناً به زودی و سرعتی که انتظارش را ندارید، به اصطلاح لبلیل زبانی خواهد کرد. لازم است چند نکته را در این جای یادآوری کنم:

- تقلید و الگوهای صحیح سخن‌گویی بزرگ‌ترها، نقشی اساسی در صحبت کردن کودکان دارد.
- مشاهده و صحبت کردن درباره‌ی دیده‌ها و شنیدن صداها و

گفت‌وگوها، یادگیری صحبت کردن را آسان‌تر می‌کند.

● برای کودک در این سن می‌توانید شعرها، قصه‌ها و تجربیاتی متناسب سنش را بگویید و یا بخوانید. قصه‌گویی، کتاب‌خوانی و خواندن شعر و سرود به همراه دست زدن و ابراز شادی، برای کودکان این سن گام بسیار مهمی در زبان‌آموزی محسوب می‌شود.

● بازی‌های متفاوتی را می‌توانید برایش ترتیب دهید. از طریق بازی است که او یاد می‌گیرد و تجربه‌ی سخن‌گویی را کسب می‌کند.

● از آن‌جا که رشد زبان توالی منظمی را دنبال می‌کند، به او فرصت دهید تا نیاز خود را به حرف زدن احساس کند. به جای او صحبت نکنید. به هرگونه صدا و شنیده‌ها ایتان از او اعتماد کنید و خوش‌حالی خود را از شنیدن آن ابراز دارید. به علاوه، صداها را با او تکرار کنید.

● کودک بعد از اولین صداها، با فهمیدن، توجه کردن و تقلید کردن، به شما نشان می‌دهد که در مسیر سخن‌گویی درستی قرار دارد. بنابراین، اعمال و صداهايش را تقلید کنید و هر چه بیشتر بگویید شنیده‌ها را درک می‌کند. به زودی مرحله بیان اولین کلمات آغاز می‌شود و او تقلید بعضی از لغاتی را که شما به طور مکرر مورد استفاده قرار داده‌اید، شروع می‌کند. ترکیب کردن کلمه‌ها و ادای درست و مناسب آن‌ها در مراحل آخر رخ می‌دهد که در واقع حساس‌ترین گام در برقراری ارتباط کلامی کودکان با دیگران محسوب می‌شود.

بنابراین مادر بزرگ عزیز، اصلاً نگران نباشید. بدانید و مطمئناً تجربه دارید که هر چه بیشتر بشنود، ببیند و حس و تجربه کند، قادر به درک فهم بیشتر از اشیا، مکان‌ها، افراد و محیط اطراف خود خواهد شد و تجربه‌ی سخن‌گویی سریع‌تر و بهتری را خواهد داشت. سعی کنید، ضمن فعالیت‌ها و همراهی با او در کارهایی مثل حمام کردن، بازی کردن، غذا خوردن، خوابیدن و غیره، با او درباره‌ی این فعالیت‌ها صحبت کنید. هم‌چنین، به او فرصت شنیدن و خوب شنیدن قصه، شعر و داستان را بدهید. به زودی تجربه‌ی شیرین شنیدن اولین کلمات و کلمات ترکیبی بیشتری را از او خواهید داشت.

باتشکر از زحمات شما مادر بزرگ عزیز

آموزش علوم در دوره‌ی پیش از دبستان

شیرین برزین



علمی به دست آورده‌اند، در کلاس اول سریع‌تر از کودکانی که فاقد این فرصت‌های علمی بوده‌اند، در فراگیری خواندن پیشرفت می‌کنند.

«مشاهده» فرایندی است که از طریق آن به پدیده‌ها در محیط اطراف توجه می‌کنیم. از مهم‌ترین اعمالی که نشان‌دهنده‌ی فرایند مشاهده است، می‌توان به استفاده از چند حس، توجه به جزئیات مربوط به موضوع مورد مشاهده و اطراف آن، تشخیص ترتیب رخداد وقایع و استفاده از وسایل کمک آموزشی مانند ذره‌بین اشاره کرد. برای تربیت حواس و گسترش تمرکز کودک باید قوه‌ی مشاهده او را در شرایط عملی زندگی تقویت کرد. کودکان می‌توانند از حواس خود برای یادگیری علوم متفاوت، از جمله مسائل زیست‌شناختی و فیزیکی استفاده کنند.

آموزش علوم کودکان را تشویق می‌کند تا توانایی سؤال کردن و یافتن پاسخ در مورد دنیای اطراف خود را کسب کنند. آن‌ها نسبت به محیط زندگی خود کنجکاو هستند و مرتب سؤال می‌کنند، زیرا می‌خواهند محیط اطراف خود را بشناسند و از این طریق احساس امنیت و آرامش کنند. آن‌ها هنگام مشارکت در فعالیت‌های گروهی، از یکدیگر یاد می‌گیرند و از طریق گفت‌وگو با مربی و دوستان خود، دانش بیشتری در مورد دنیای اطراف به دست می‌آورند. آموزش علوم به کودکان کمک می‌کند تا بتوانند بهتر درک کنند. وقتی کودکان درباره‌ی دنیای پیرامونشان کشف می‌کنند و یاد می‌گیرند، در حقیقت درک بهتری از وابستگی زندگی خود با محیط به دست می‌آورند. علوم، قدرت تفکر انتقادی را در کودکان بالا می‌برد. کودک با سؤال پرسیدن در مورد اشیا و توجه به دیدگاه‌های

می‌گیرد و هدفش این است که کودک دنیای اطراف خود را بشناسد و با آن ارتباط برقرار کند. از این رو، ساختگی بودن محیط نمی‌تواند به یادگیری کودک کمک کند و موقعیت‌های عملی نقش بیشتری در پرورش حواس کودک دارند. باید توجه داشت، علم چیزی است که کودکان خود باید آن را کسب کنند، نه آن که به آنان گفته شود.

ماریا مونته‌سوری، پزشک و مربی ایتالیایی در کتاب «ذهن‌گیرا» می‌نویسد: ... و ما دریافتیم که تعلیم و تربیت فرایندی طبیعی است که به طور خود به خود در بشر رشد می‌یابد و نتیجه‌ی تجاربی است که کودک از محیط کسب می‌کند. کار مربی حرف و صحبت نیست، بلکه تهیه و تنظیم مجموعه‌ای از انگیزه‌ها برای انجام فعالیت‌ها در محیط خاص کودکان است.»

بیشترین لذتی که از یادگیری و یاددهی علم حاصل می‌شود، مربوط به تجربه کردن آن است. علم آموزی زمانی واقعیت می‌یابد که خود کودک مستقیماً به طور فیزیکی و ذهنی در کار یادگیری دخالت کند.

مربی وظیفه ندارد دائم به فکر هدایت و تصحیح فعالیت‌های کودک باشد، بلکه موظف است، محیطی پویا، زیبا و شاد برای یادگیری خودجوش کودک و توجه به هر یک از کودکان و علائق و روش کار آنان آماده سازد. کودکان حق دارند مفاهیم ذهنی و تجربه‌های دیگران را در شرایط جدید تجربه و آزمایش کنند تا مفاهیم را به طور دقیق و عمیق بفهمند و روابط حاکم بر آن‌ها را درک کنند. توانایی انجام دادن مشاهده‌ی دقیق، اساسی‌ترین مهارت در علم است و به کمک آن می‌توان در سایر مهارت‌ها از قبیل استنباط، برقراری ارتباط، پیش‌بینی، اندازه‌گیری و طبقه‌بندی هم متبحر شد. یافته‌های تحقیقی نشان می‌دهند، کودکانی که در پیش‌دبستان تجربه‌های

علم روش فکر کردن درباره‌ی دنیای اطراف و فهمیدن چیزهایی است که نمی‌دانیم. علم راه جواب دادن به سؤالات است. در حقیقت علم مادر همه‌ی اختراعات و اکتشافات است.

کودک از لحظه‌ی تولد سعی دارد به کمک حواس خود با محیط اطرافش ارتباط برقرار کند و از دنیایی که در آن زندگی می‌کند، اطلاعاتی به دست آورد. او با تمام حواس خود به دنبال کشف طبیعت است و یک مشاهده‌گر کنجکاو محسوب می‌شود. کودکان زیر شش سال از توانایی و ظرفیت بالایی برخوردارند و قدرت یادگیری

زیادی دارند. جامعه و محیط می‌تواند بستری مناسب برای رشد و یادگیری آنان فراهم کند. هدف این است که کودکان به اندیشگرانی پویا تبدیل شوند و نسبت به

محیط کنجکاو باشند. بازی‌ها و فعالیت‌هایی که کودکان به طور روزمره انجام می‌دهند، عملیات کاوشی است و در واقع نوعی تحقیق علمی به شمار می‌رود و اساس تفکر علمی را در آن‌ها پایه‌ریزی می‌کند. کودکان ذاتاً دانشمند هستند. آن‌ها از طریق مشاهده و آزمایش کردن درباره‌ی محیط جهان می‌آموزند.

هدف از آموزش علوم به کودکان، ایجاد احساس شگفتی و کنجکاو در آنان و تشویقشان به کسب دانش علمی است. آموزش علوم در پیش‌دبستان، براساس پدیده‌های محسوس و ملموس صورت

مربی وظیفه ندارد دائم به فکر هدایت و تصحیح فعالیت‌های کودک باشد، بلکه موظف است، محیطی پویا، زیبا و شاد برای یادگیری خودجوش کودک و توجه به هر یک از کودکان و علائق و روش کار آنان آماده سازد

جدید، مانند یک دانشمند کوچک است که می‌تواند مهارت‌های تفکری مستقل را به دست آورد و به مصرف‌کننده‌ای دانا، عاقل و شهروندی تبدیل شود که می‌تواند تصمیم‌های آگاهانه بگیرد.

محققان اتفاق نظر دارند که در آموزش مفاهیم کمتر اما عمیق‌تر، نتیجه‌ی بهتری حاصل می‌آید تا زمانی که مفاهیم زیادترند و اما عمق آن‌ها کمتر است. از این‌رو، آموزش تمام موضوعات علمی در بیش‌دستان مورد نظر نیست. بلکه لازم است مربی موضوعات علمی را بر اساس برنامه و اهداف دوره‌ی پیش از دبستان، با توجه به علاقه و توانایی کودکان و با استفاده از امکانات محیط آموزشی و ویژگی‌های بومی انتخاب کند. چنان‌چه می‌دانیم، کودکان شهری در مقایسه با کودکان روستایی فرصت کمتری برای تماس با طبیعت دارند. از این‌رو مربیان باید فرصت‌هایی فراهم آورند که به قدرت مشاهده و تجسس کودکان بیفزایند. کودکان هرچه محیط اطراف خود را بهتر بشناسند، به همان اندازه بهتر می‌توانند زندگی کنند، از امکانات محیط بهره بگیرند، امکانات را برای زندگی تغییر دهند و از امکانات طبیعی مراقبت کنند.

از جمله‌ی مهارت‌هایی که برای ادامه زندگی کودک تعیین کننده است می‌توان به پرورش حواس پنج‌گانه، شیوه‌های فکر کردن، پرورش کنجکاوی و حس اعتماد به نفس اشاره کرد. چیزهای طبیعی در محیط مانند سنگ، گیاهان، حیوانات، پدیده‌های متفاوت و یا خواهر و برادر کوچکشان آن‌ها را مجذوب می‌کند. کودکی که سنگ‌ریزه‌ها و گوش ماهی را به دقت نگاه می‌کند و آن را در جیب خود می‌گذارد، یا به جمع‌آوری پرندگان یا برگ درختان علاقه دارد، به نوعی اشتیاق خود را به یادگیری و تجسس نشان می‌دهد. کودکان تمایل زیادی به یادگیری و مشارکت در فعالیت‌ها دارند.

بدیهی است
در سال‌های

اولیه‌ی زندگی که تجربیات به عمل کرد مغز شکل می‌دهند و پایه‌های یادگیری بنا نهاده می‌شود، نوع فعالیت‌ها و تجربیاتی که برای کودکان تدارک دیده می‌شود، اهمیت زیادی دارد. مربیان از طریق تقویت حس کنجکاوی و فراهم آوردن فعالیت‌هایی مانند مشاهده، گردش علمی، آزمایش، بحث و گفت‌وگو و ... می‌توانند به پیشرفت یادگیری علوم در کودکان کمک کنند، از این طریق است که کودکان می‌توانند، مشاهده و کشف کنند، محیط، اشیاء، عوامل و پدیده‌های طبیعی را بشناسند، با فواید یا خطرات آن‌ها آشنا شوند،

کاربرد آن‌ها را بیاموزند، راه‌های حفظ و نگهداری آن‌ها را بیاموزند، آن‌ها را طبقه‌بندی و مرتب کنند، به مقایسه‌ی آن‌ها دست بزنند و تفاوت‌ها و شباهت‌ها را درک و بیان کنند. همچنین، به مفهوم جزء و کل پی ببرند و مفاهیم چون مکان، زمان، اندازه و ... را درک کنند

توجه دادن کودک به محیط پیرامون، اشیاء، پدیده‌ها و امور و روابط بین آن‌ها، از طریق این گونه فعالیت‌ها، موجب می‌شود او جهان‌بینی بهتر و شناخت بیشتری از مسائل به دست آورد و با نعمت‌های خداوند و زیبایی‌های آفرینش و چگونگی استفاده‌ی صحیح از آن‌ها آشنا شود. اصولاً مشاهده‌ی نعمت‌های الهی، مخلوقات و پدیده‌های شگفت‌انگیز، حس کنجکاوی، توجه و دقت نظر نسبت به پدیدآورنده‌ی آن‌ها را برمی‌انگیزد و طبعاً سبب جلب محبت به خالق هستی می‌شود. از این روی، بهره‌گیری

از این روش برای تقویت حس و گرایش به پرستش معبود بی‌همتا، کاری شایسته است.

اهداف علوم در پیش دبستان*

- ارتقای سطح بهداشت و ایمنی
- آشنایی با محیط زیست و علاقه و انس با طبیعت و حفظ آن
- پرورش مهارت‌های ذهنی
- تقویت حس دینی و علایق مذهبی

در آموزش علوم به کودکان موارد زیر را مورد توجه قرار دهید:

- محیطی فعال برای کشف و جست‌وجو فراهم کنید
- کنجکاوی کودکان را تحریک کنید.
- در مورد اتفاقات روزمره با کودکان گفت‌وگو کنید
- کودکان را به گردش در طبیعت، بازدید از موزه و باغ وحش ببرید.
- به کودکان کمک کنید تا پاسخ پرسش‌های خود را پیدا کنند.
- به کودکان فرصت کسب تجربه بدهید و آنان را محدود نکنید.
- به توانایی‌ها و علائق کودکان توجه کنید.
- بگذارید کودکان خود آزمایش کنند.
- به کودکان فرصت اظهار نظر بدهید و به حرف‌های آنان توجه کنید.



و کاکائو/آینه/نی/بادکنک/شمع/چوب پنبه/
میخ/چکش/قوطی‌های خالی/چراغ مطالعه/
آهن‌ریا/مجلات مصور و ...

پی‌نوشت

* برای اطلاع از اهداف کامل تفصیلی به کتاب
«راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی
دوره‌ی پیش‌دبستان» مراجعه نمایید.

منابع

۱. اسپارک برنارد. آموزش در دوران کودکی. ترجمه‌ی محمدحسین نظری نژاد
۲. صندوق کودکان سازمان ملل متحد. آشنایی با طبیعت. انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۶
۳. مهدوی، صدیقه. آموزش برای دنیای جدید (برگرفته از نظرات ماریا مونته‌سوری). متن گستران آریا. ۱۳۷۹
۴. آموزش و پرورش ابتدایی در ژاپن. دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۷۹
۵. آموزش و ارزش‌یابی مهارت‌های یادگیری. ترجمه‌ی حسین دانش‌فر و طاهره‌ی رستگار. انتشارات مدرسه. ۱۳۷۹

درختان در فصل‌های متفاوت سبب تحریک
حس کنجکاوی آنان شده و فرصت‌های
یادگیری جدیدی فراهم می‌آورد.

در بازی‌ها و فعالیت‌ها، امکان مشاهده
و مقایسه در مورد شکل ظاهری کودکان
را فراهم آورد (قد، رنگ چشم، بلندی و
کوتاهی، صاف یا تاب‌دار بودن موها و ...)

توجه کودکان را به آسمان شب و روز،
خورشید، ماه و ستاره‌ها جلب کنید.

مواد و وسایل گوناگون با جنس، بافت،
طرح و رنگ‌های متفاوت را برای مشاهده،
مقایسه و تقویت حواس در اختیار کودک
قرار دهید: پنبه/سنباده/پارچه/رنگ‌های
مایع/سنگ/گوش‌ماهی/سبزی/میوه‌دانه
/حیوانات زنده/خاک/شن/آب/خمیر/گل/
برگ/خط‌کش/پر و پشم/پارچه/ذره‌بین/
داماسنج/چراغ‌قوه/قطره‌چکان/ظروف و
پیمانه‌های مختلف/
شکر/نمک/گلاب/
سبزیجات
معطر، قهوه

امکانات و وسایل کار را از قبل آماده کنید.
در فعالیت‌ها به ایمنی و بهداشت کودکان
توجه کنید.

فرصت تکرار و تمرین به کودک بدهید.
به فرایند کار به جای رسیدن به نتیجه‌ی
مشخص تأکید کنید.

چند پیشنهاد برای طراحی فعالیت‌های یادگیری علوم:

فرصت تماشای طبیعت و پدیده‌ها را در
موقعیت‌های فراهم آمده به کودک بدهید
(تماشای حیوانات، گیاهان، برف و باران و ...).

هنگام آشپزی، کودک را در تمیز کردن و
اندازه‌گیری مواد غذایی شرکت دهید.

با کاشت دانه، امکان مشاهده و اندازه‌گیری
رشد گیاه را برای کودکان فراهم کنید.

در محیط‌های طبیعی فرصت مشاهده
و مقایسه‌ی محیط پاکیزه و آلوده را فراهم
آوردید.

فرصت آب‌بازی، مشاهده‌ی

ویژگی مواد نسبت به آب،
پیمانه‌کردن آب، درست
کردن یخ، آب شدن
یخ و بخار شدن آب در
اثر حرارت و ... را برای
کودکان فراهم آورید.

مشاهده‌ی

تغییرات





پیش دبستانی سرمايه گذاري ارزشمندی در نظام تعليم و تربيت کشور است

گفت و گو با داریوش خاکی، نخستین مدیرکل دفتر آموزش پیش دبستانی وزارت آموزش و پرورش

فاطمه قائمی

عکس: طیبه رحیمی

اشاره

داریوش خاکی، اولین مدیرکل "دفتر آموزش و پرورش پیش دبستانی" در معاونت آموزش و پرورش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش ایران است. او که ۲۴ سال سابقه خدمت در وزارت آموزش و پرورش را دارد، پس از گذراندن دوره‌های کاردانی و کارشناسی در رشته‌ی آموزش ابتدایی، موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌ی مدیریت آموزشی شد. خاکی، تقریباً همه‌ی سمت‌های آموزشی و پرورشی موجود در آموزش و پرورش را تجربه کرده است. او علاوه بر مربیگری در زمینه‌ی ورزش و فعالیت‌های پرورشی، در دوره‌ی ابتدایی آموزگاری، معاونت و مدیریت کرده و در دوره‌ی راهنمایی نیز تدریس و مدیریت داشته است. او هم‌چنین سابقه‌ی حضور در معاونت آموزشی منطقه را دارا بوده و پیش از آمدن به دفتر پیش دبستانی، مدیر آموزش و پرورش منطقه‌ی ۸ تهران بوده است.

خاکی در دانشگاه نیز تدریس می‌کند و از سال‌ها پیش، فعالیت در حوزه‌ی پیش دبستانی را در کارنامه‌ی خود داشته است. به سبب تأسیس دفتر آموزش پیش دبستانی و با امید به این که راه‌اندازی این دفتر در معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، گشایش در فعالیت‌های پیش دبستانی کشور را سبب شود، نخستین گفت‌وگوی مطبوعاتی با نخستین مدیرکل این دفتر را در پی می‌آوریم.



□ چه ضرورت‌هایی باعث شد در ساختار جدید حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش، جایگاهی هم برای دفتر آموزش پیش دبستانی در نظر گرفته شود؟

دوران پیش از دبستان، دورانی است طلایی که براساس فطرت پاک الهی، کودک مستعد پذیرش نقش‌ها و شخصیت‌های متفاوت خواهد بود. براساس آموزه‌های دینی، انسان حتی قبل از تولد نیز برای تربیت آمادگی دارد. آموزش ارزش‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی به کودکان خردسال آسان‌تر و عمیق‌تر انجام می‌گیرد. لذا پیش دبستانی، کلید یادگیری بهتر را در اختیار کودک قرار می‌دهد و به این ترتیب، امید به حصول نیروی انسانی فکور و پژوهشگر افزایش می‌یابد.

توجه به آموزش کودکان پیش از دبستان، به علاقه‌مندی کودک به مدرسه، کاهش نرخ مردودی، ترک تحصیل و هزینه‌های ناشی از آن و ارتقای بهره‌وری در دوره‌های بالاتر، به‌ویژه ابتدایی، منجر خواهد شد. بنابراین به نظر می‌رسد پیش دبستانی، سرمایه‌گذاری ارزشمندی در نظام تعلیم و تربیت تلقی می‌شود و تأسیس این دفتر متأثر از همین نگاه است.

□ از نظر شما، مهم‌ترین چالش‌های دوره‌ی پیش دبستانی در کشورمان چیست؟

البته توجه زیاد به چالش‌ها، ممکن است باعث شود که داشته‌ها نیز از دست بروند. با وجود این، نباید از مشکلات و موانع هم غفلت کرد.

آموزش کودکان پیش دبستانی در کشور متولیان متعددی دارد که براساس محتواها و روش‌های متفاوت فعالیت می‌کنند. این خروجی‌های متنوع، ورودی دوره‌ی ابتدایی در ساختار رسمی آموزشی خواهند شد که هم‌سان‌سازی آن‌ها گاهی مشکلاتی را ایجاد می‌کند. بدیهی است اگر یک دوره‌ی تحصیلی در ساختار رسمی تعریف شود، سایر نیازها و امکانات آن مانند نیروی انسانی، فضا، تجهیزات، اعتبارات و بودجه‌ی لازم نیز تعریف خواهد شد. ضمن آن که به‌همین واسطه، توجه به مناطق محروم و آموزش برای همه، بیشتر مورد عنایت قرار خواهد گرفت. البته شرایط فعلی هم مانعی برای انجام مأموریت‌های اصلی دفتر نخواهد بود و ما با استفاده‌ی منطقی از ظرفیت‌های موجود، در جهت توسعه‌ی کیفی و کمی آموزش پیش دبستانی تلاش خواهیم کرد.

□ آیا برنامه‌هایی برای واحدهای پیش دبستانی سایر ارگان‌ها، از جمله

بهبزبستی دارید؟ بالاخره متولی پیش دبستانی در کشور چه نهادی است: آموزش و پرورش یا بهزیستی؟

براساس ماده‌های ۴ و ۶ اساس‌نامه‌ی دوره‌ی پیش دبستانی، تصویب شده در جلسه‌ی ۶۹۹ "شورای عالی آموزش و پرورش"، صدور مجوز تأسیس واحدهای پیش دبستانی، تعیین صلاحیت نیروی انسانی، استانداردهای فضا، تجهیزات و مواد آموزشی و نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی این دوره، به عهده‌ی وزارت آموزش و پرورش است. در جهت اجرایی شدن این مصوبات، توافقات بسیار خوبی با سازمان بهزیستی داشته‌ایم که به‌زودی اعلام خواهد شد.

□ نظر تان درباره‌ی اساس‌نامه‌ی مصوب پیش دبستانی در شورای عالی آموزش و پرورش چیست؟

این اساس‌نامه می‌تواند به‌عنوان نقشه‌ی راه، چارچوب‌های اصلی اتخاذ تصمیم و اجرا در دوره‌ی پیش دبستانی را تعیین کند. به‌ویژه آن که توسط یک مرجع مهم قانون‌گذار، یعنی شورای عالی آموزش و پرورش، تدوین، تصویب و برای اجرا ابلاغ شده است. نکته‌ی مهم دیگر این‌که، ضمن توجه به حدود اختیارات استان‌ها و مراکز دیگر، موجب ایجاد وحدت‌رویه‌ی کلی در کشور نیز خواهد شد.

قابل توجه مربیان و مدیران

واحدهای پیش دبستانی سراسر کشور

دفتر آموزش پیش دبستانی وزارت آموزش و پرورش در ابتدای خیابان ایرانشهر جنوبی، در محل ساختمان معاونت آموزش ابتدایی واقع شده است. پرسش‌ها و خواسته‌های خود را درباره‌ی واحدهای پیش دبستانی، می‌توانید از طریق نامبر شماره‌ی ۰۲۶-۸۸۳۸۱-۲۱ به این دفتر ارسال کنید.



بازی در کلاس

زهرا حاجی عظیمی

مربی مهد کودک از اردستان اصفهان

عکس‌ها: اعظم لاریجانی

بازی‌های زیر را

می‌توان هنگامی که هوا سرد است، در

فضای بسته‌ی کلاس و سالن مدرسه اجرا کرد.

در سنین پیش از دبستان بازی ارزش‌های زیادی

دارد. هنگام بازی، کودک اعتماد به‌نفس پیدا می‌کند و اتکا

به‌خود، متکی نبودن به دیگران و رفتار اجتماعی را یاد می‌گیرد.

در حال بازی، می‌آموزد چگونه در کارهایی که دوست دارد داوطلب

شود و یا چگونه دستورات دیگران را قبول کند. هنگام بازی، او

شادی را تجربه می‌کند، به درک مفهوم تعاون و همکاری نائل

می‌آید و برای خلاقیت فرصت‌هایی می‌یابد.

● کی کجا بوده؟

هدف: تقویت بینایی و حافظه‌ی کودک

شرح بازی: کودکان در کلاس روی صندلی‌های خود

می‌نشینند. مربی یکی از آن‌ها را انتخاب می‌کند و از او می‌خواهد

که به دوستان خود نگاه کند و جای هر کدام از آن‌ها را به حافظه‌ی

خود بسپارد و کودک با دقت نگاه می‌کند و بعد از کلاس بیرون می‌رود.

مربی جای دو تا از بچه‌ها را عوض می‌کند و از کودک بیرون رفته

می‌خواهد که وارد کلاس شود. او باید تشخیص دهد چه کسی

جایش را عوض کرده است و تا حد اکثر سه بار می‌تواند

حدس بزند.



● گردو تو دست کیه؟

هدف: حل مسئله از راه حدس زدن

شرح بازی: کودکان دایره‌وار می‌ایستند. یکی از کودکان به‌عنوان نخودی انتخاب می‌شود و وسط دایره می‌نشیند. او چشم‌های خود را می‌بندد و با صدای بلند تا ۱۰ می‌شمارد. در این زمان کودکان گردویی را دست‌به‌دست می‌گردانند و این کار را تا زمانی که نخودی عدد ۱۰ را می‌شمارد، ادامه می‌دهند. سپس نخودی چشم خود را باز می‌کند. او با راه رفتن در وسط دایره و تا حد اکثر سه‌بار حدس زدن، باید بگوید گردو در دست کیست. چنان چه حدس وی درست باشد، جایش را با کودکی که گردو را در دست داشته است، عوض می‌کند.

● سکوت

هدف: تقویت آگاهی کودک

شرح بازی: مربی یکی از بچه‌ها را انتخاب می‌کند و از او می‌خواهد که در هر شرایطی سکوت کند و کلمه‌ای بر زبان نیاورد. در ادامه‌ی بازی، مربی از کودک اطلاعات شخصی و خانوادگی می‌پرسد و کودک باید جواب درست بدهد. مثلاً مربی می‌گوید: اسم مادر تو **فاطمه** است. اسم پدر تو **حسین** است. تو یک خواهر داری و... کودک فقط با اشاره‌ی سر تأیید یا رد می‌کند. اگر کودک نتواند تحمل کند و سکوت خود را به‌خاطر اطلاعات اشتباه معلم بشکند، بازنده است.

● روباه مکار و جوجه‌ها

هدف: تشویق کودکان به کارهای گروهی

شرح بازی: کودکی به‌عنوان روباه و چند کودک دیگر به‌عنوان جوجه‌ها انتخاب می‌شوند. جوجه‌ها در حال بازی باهم هستند، در حالی که روباه زیر میز معلم پنهان شده‌اند. یکی از جوجه‌ها به میز ضربه‌ای می‌زند و این علامت است تا روباه به‌طرف جوجه‌ها بدود. روباه سعی می‌کند قبل از این که جوجه‌ها سر جای خود بنشینند، آن‌ها را بزند. جوجه‌های بازنده از بازی خارج می‌شوند و جوجه‌های دیگر باقی می‌مانند تا در دور دیگر هم بازی کنند.



سرآغاز

کودکان را یاری می‌کند به وسیله‌ی آن، دنیای درون خود را بیان کنند

از لحاظ عاطفی، تجربیات مهم را می‌توان با تمثیل نمادین به وسیله‌ی عروسک‌ها، راحت‌تر و امن‌تر بیان کرد. استفاده از عروسک‌ها کودکان را قادر می‌سازد تا اضطراب‌ها، خیال‌پردازی‌ها و گناه را به جای مردم به اشیاء منتقل کنند. در این فرایندها، کودکان از احساسات و واکنش‌های خود در امان هستند. زیرا بازی آن‌ها را قادر می‌سازد خودشان را از وقایع و تجربیات آسیب‌زا جدا کنند. بنابراین کودکان به وسیله‌ی عملکردهای خود در هم نمی‌شکنند، زیرا این عملکردها در خیالات قرار دارند. از طریق بازی، یک تجربه‌ی ترسناک یا آسیب‌زا به طور نمادین اجرا می‌شود و شاید نتایج از طریق فعالیت در بازی تغییر کند یا دگرگون شود.

کودکان به سمت راه‌حلی درونی حرکت می‌کند و به این ترتیب قادر می‌شوند که بهتر با مشکلات مقابله یا سازگاری کنند. فرایند بازی هم‌چنین به بچه‌ها اجازه می‌دهد، احتمالات جدیدی را که در واقعیت ممکن نیست در نظر بگیرند، چیزهایی ناآشنا را کشف کنند و درکشان را درباره‌ی تجربه‌ی احساسات و شناخت افزایش دهند. عملکرد مهم بازی تغییر آن چیزی است که امکان دارد در واقعیت غیر قابل‌اداره کردن باشد. به این صورت که موقعیت‌ها از طریق بیان نمادین قابل‌اداره می‌شوند و این باعث می‌شود، کودکان فرصتی برای یادگیری مهارت‌های مقابله‌ای به دست آورند. [Landreth & Bratton.]

محیط بازی درمانی

مهمترین ویژگی‌هایی که لازم است اتاق بازی درمانی مطلوب دارا باشد، عبارت‌اند از:

- ضد صدا باشد به طوری که سروصدای بیرون موجب حواس‌پرتی کودک نشود و هم‌چنین کودک باور کند که آن چه می‌گوید، دیگران نمی‌شنوند

کودکان و تربیت و رشد صحیح آن‌ها، موضوعی است که در تمامی جوامع و ادیان مورد توجه بوده است. بازی نقش مهمی در رشد و پرورش کودکان دارد. بازی عاملی است برای رشد نیروهای خام و آماده‌سازی آن‌ها برای استفاده از زندگی. بازی فرایند یادگیری را برای کودک، این انسان کوچک، لذت بخش می‌کند. هم‌چنین به ارضای بسیاری از نیازهای اساسی و زیربنایی او می‌انجامد. اهمیت بازی در مباحث روان‌شناختی رشد تا حدی است که صاحب‌نظران آن را تفکر کودک نامیده‌اند.

در این مقاله پس از تعریف بازی، به بررسی تاریخچه‌ی بازی درمانی، نظریه‌ها، مراحل، روش‌ها و فنون، محدودیت‌ها، انواع بازی و سایر مفاهیم مهم در زمینه‌ی بازی درمانی پرداخته شده است.

تعریف بازی درمانی

بازی درمانی روشی است که به وسیله‌ی آن، ابزار طبیعی بیان حالات کودک، یعنی بازی، به عنوان روش درمانی وی به کار برده می‌شود تا به کودک کمک کند، فشارهای احساسی خویش را تحت کنترل قرار دهد. از بازی درمانی غالباً برای درمان کودکان ناسازگار و کسانی که نسبت به حل مسائل مربوط به سازگاری مشکل دارند، استفاده می‌شود [شیاسی، ۱۳۸۷]

ضرورت بازی درمانی

به دلیل این که رشد زبانی کودکان از رشد شناختی آن‌ها عقب‌تر است، آن‌ها از طریق بازی از آن چه که در دنیایشان اتفاق می‌افتد، آگاه می‌شوند و با آن تماس برقرار می‌کنند. در بازی درمانی، به عروسک‌ها به عنوان لغات کودک و به بازی به عنوان زبان کودک نگریسته می‌شود. در واقع، بازی درمانی برای بچه‌ها مانند مشاوره یا روان‌درمانی برای بزرگ‌سالان است. عملکرد نمادین بازی از این جهت مهم است که

کلید واژه‌ها: بازی درمانی، تفکر، نیازهای کودک، پرورش کودکان.

بازی درمانی فنون و روش‌ها



سیما قدرتی، دانشجوی دکترای مشاوره

دکتر عبدالله شفیق آبادی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

آن‌ها را دوست داری، مگر نه؟» استفاده کرد. بلکه لازم است درمانگر از خطاب سوم شخص استفاده کند و بگوید: «بچه‌های زیادی به این جا می‌آیند و از اتاق ما خوششان می‌آید.»

اگر کودک باز قیافه‌ای منفی گرفت و علاقه‌ای نشان نداد، درمانگر باید بگوید: «از این عصبانی هستی که تو را به این جا آورده‌اند؟ تو دوست نداری کسی با تو این طور رفتار کند؟»

یا بگوید: «مثل این که دوست نداری با من صحبت کنی، چون مرا نمی‌شناسی. می‌خواهی به خانه یا کلاس برگردی. به هر حال اتاق بازی آن جاست. می‌خواهی قبل از برگشتن سری به آن جا بزنی؟»

اگر باز هم مؤثر واقع نشد، درمانگر باید بگوید: «قبل از رفتن به خانه، باید در دفتر منتظر باشی. حالا خودت انتخاب کن! می‌خواهی در دفتر باشی یا در اتاق بازی؟»

و اگر باز هم نتیجه نداد، باید به گروه درمانی روی آورد تا تنش‌های کودک کاهش یابد و برای ورود به اتاق بازی درمانی آماده شود.

[www.nedayemoshaver.com]

فنون بازی درمانی

فنون بازی درمانی،

شیوه‌های

تسهیل‌کننده‌ای

هستند که مشاوران

از آن‌ها برای پرورش

رابطه‌ی درمانی و

کمک به کودکان

برای به دست

آوردن احساس

از نظر نور و دما مناسب و راحت باشد.

فضای مناسب و کافی برای بازی‌های پر جنب و جوش، سازنده و مهیج داشته باشد.

یک لگن دست‌شویی در جایی مرطوب برای بازی‌های دارای ریخت و پاش و کثیف‌کننده داشته باشد تا کودکان بتوانند بعد از استفاده از وسایلی مانند گل و رنگ، از آب استفاده کنند و خودشان را بشویند. کف منطقه‌ی مرطوب با پوشش‌های پلاستیکی مفروش شود و در بقیه‌ی اتاق برای راحتی کودک و نشستن او، از موکت یا فرش استفاده شود.

مجهاز به آینه‌ی یکطرفه و دوربین ویدئویی باشد. آینه‌ی یکطرفه مشاور را قادر می‌سازد بدون حواس پرتی کودک، بازی او و نحوه‌ی تعاملاتش با اطرافیان را مشاهده کند و با یک همکار یا دستیار کار کند.

وسایل، تجهیزات و اسباب‌بازی‌های مورد نیاز به میزان کافی در آن موجود باشد. برخی از این وسایل و تجهیزات عبارتند از: میز و

صندلی کودک، تشک پلاستیکی، عروسک، خرس پلاستیکی، وسایل

نقلیه اسباب‌بازی، سینی شن، کاغذ، مداد شمعی، ماژیک، مداد رنگی،

قلم مو، جعبه‌ی رنگ انگشتی [انگجی و عسگری، ۱۳۸۵]

نحوه‌ی دعوت کودک به اتاق بازی درمانی

دعوت کودک به اتاق بازی درمانی را باید با سلام و احوال‌پرسی شروع کنیم. بعد به کودک می‌گوییم: «آن عروسک یا اسباب‌بازی را که روی میز است، دوست داری؟»

در این جا اکثر بچه‌ها با خنده جواب مثبت می‌دهند و وارد اتاق بازی می‌شوند. ولی تعدادی هم ممکن است برخورد دیگری داشته

باشند. مثلاً بگیرزند، پشت به درمانگر بایستند و یا بگویند: «نه!» در چنین شرایطی اصلاً نباید از زور یا جملاتی مثل «ای وای چه اسباب

بازی‌های قشنگی، آن جا پر از عروسک و اسباب‌بازی است، تو که



خودکنترلی استفاده می‌کنند. کاتمن (۲۰۰۱) فنون بازی درمانی زیر را به عنوان ابزاری برای تبلور رابطه‌ی درمانی تشخیص داد: الف) ردیابی، ب) بازگویی محتوا، ج) انعکاس احساسات، د) ایجاد محدودیت‌ها، ه) بازگرداندن مسئولیت به کودک.

ردیابی شامل توصیف کلامی مشاور بدون تفسیر فعالیت‌های کودکان طی جلسات بازی است. بازگویی محتوا، فنی است که در آن مشاوران، بیان کلامی کودک را بدون اضافه کردن تفسیر، توضیح می‌دهند. از انعکاس احساسات هنگامی استفاده می‌شود که مشاوران به کودکان کمک می‌کنند تا آن‌ها احساساتی را که قادر به بیان آن نیستند، روشن سازند. ایجاد محدودیت معمولاً شامل بعضی فنون ساختاری است که به کودکان اجازه می‌دهد تا بدانند، رفتارهای مشخصی در اتاق بازی مجاز نیست.

لاندرت (۲۰۰۲) اظهار می‌دارد: ایجاد محدودیت برای کودکان فقط در مواردی صورت می‌گیرد که قطعاً مورد نیاز است. محدودیت‌های عینی برای متوقف کردن رفتار کودکان نیست، بلکه برای تسهیل بیان انگیزه‌ی نیازها و نیز نیازها یا خواسته‌ها از راه‌های قابل قبول تر است. برای مثال، اگر کودکی در اتاق بازی روی دیوار نقاشی می‌کند، درمانگر می‌تواند با گفتن این جمله یک محدودیت درمانی ایجاد کند: «دیوار برای نقاشی ساخته نشده است.» یا: «ممکن است شما بتوانید جای دیگری غیر از دیوار نقاشی کنید.»

بازگرداندن مسئولیت به کودکان شامل اجازه دادن به آن‌ها، برای انجام انتخاب‌ها و به عهده گرفتن مسئولیت آن انتخاب‌هاست. [آگرین، ۲۰۰۵]

محدودیت‌های بازی درمانی

محدودیت‌های ایجاد شده بخش ضروری و حیاتی فرایند درمانی بازی درمانی است. ایجاد محدودیت‌های درمانی بخشی از همه‌ی



رویکردهای نظری بازی درمانی است. ساختار محدودیت‌های درمان، همان چیزی است که به ایجاد تجربه‌ی ارتباط با زندگی واقعی کمک می‌کند. محدودیت‌ها در بازی درمانی دو فایده‌ی درمانی و عملی دارند:

اول اینکه آن‌ها رابطه‌ی درمانی را حفظ می‌کنند و فرصت‌های یادگیری «خودمسئولیت‌پذیری» و «خودکنترلی» را از میان بسیاری از دیگر ابعاد آسان می‌سازند.

دوم، در کودک احساس امنیت عاطفی و سلامت جسمانی ایجاد می‌کنند. این احساس امنیت عاطفی کودک را قادر می‌سازد، ابعاد عاطفی-ذاتی را که ممکن است در سایر روابط مخفی مانده باشند، کشف و بیان کند. [Ladreth & Bralton, 1999]

حیم گینات^۱ که یکی از پیشگامان نظریه‌های بازی درمانی محسوب می‌شود، انواع محدودیت در بازی درمانی را چنین برشمرده است:

- محدودیت‌هایی که تخلیه‌ی هیجانی را به کانال‌های نمادین هدایت می‌کنند.

- محدودیت‌هایی که درمانگر را قادر می‌سازند، نگرش‌هایی را در زمینه‌ی پذیرش، همدلی و احترام به کودک در سراسر تعاملات درمانی ایفا کند.

- محدودیت‌هایی برای اطمینان دهی در زمینه‌ی امنیت جسمی کودکان و درمانگر در اتاق بازی.

- محدودیت‌هایی که کنترل‌های ایگو (خود) را قوت می‌بخشند.

- محدودیت‌هایی که به دلایل قانونی، اخلاقی و مقبولیت‌های اجتماعی اعمال می‌شوند.

- محدودیت‌هایی که به دلیل ملاحظات مالی اعمال می‌شوند.

گینات محدودیت‌هایی را نیز که به وسیله‌ی بازی درمانگر هنگام کار با کودکان مورد توجه قرار می‌گیرد، فهرست کرد. این محدودیت‌ها خطوط راهنمایی هستند که در بازی درمانی‌های کودک محور به کار می‌روند. برخی از این نوع محدودیت‌ها عبارت‌اند از: به خانه بردن اسباب‌بازی اتاق بازی، رنگ کردن یا علامت گذاشتن روی دیوارها و درها، بی‌حرمتی کلامی در اتاق بازی، زدن درمانگر به صورت ملایم، در آغوش گرفتن درمانگر برای مدت طولانی و بوسیدن درمانگر. [Perez, etal, 2007]

نقش بازی درمانگر

نقش «بازی درمانگر» به همان اندازه که به سبک شخصیتی او و جمعیت مراجعانش وابسته است، به جهت‌گیری نظری او نیز بستگی دارد. کریستنسن (۲۰۰۳)، پنج جنبه از نقش بازی درمانگر را به این

شرح توصیف کرد:

می کند ● استفاده از عروسک‌ها کودکان را قادر می‌سازد تا تصویر زیبا و کمک‌کننده‌ای از پدر، مادر یا اشخاص مهم زندگی‌اش در ذهن داشته باشد. گذشته از این که والدین نیز آموزش می‌بینند که فرزندان خود را بهتر و بیشتر درک کنند. امروزه این روش نه فقط در مورد کودکان بلکه در مورد بزرگسالان نیز به کار می‌رود. بعضی از روش‌هایی که در گروه‌درمانی، خانواده‌درمانی و روان‌نمایشی استفاده می‌شوند، از بازی درمانی بهره فراوانی می‌برند. همین موضوع توجه بیشتر و انجام تحقیقات مؤثرتری را در مورد این شیوه‌ی درمانی می‌طلبد.

● بازی از آن جهت جنبه‌ی درمانی دارد که رابطه‌ی امنی را میان کودک و بزرگسالان ایجاد می‌کند. بنابراین کودک آزادی دارد تا خود را با اصطلاحات خود، به روش خود و در زمان خود بیان کند

۱. پذیرش و ارتباط.
۲. دانش کاربردی درباره‌ی مراحل رشد و مباحث آن.
۳. احترام و عشق خالصانه به بچه‌ها.
۴. درک سیستم‌ها و اثرات متقابل.
۵. خود مراقبتی.

پذیرش و ارتباط شامل بیان غیر شرطی و توجه مثبت به مراجع است؛ در حالی که محدودیت‌های درمانی مورد نیاز هم اعمال می‌شوند. دانش کاربردی از مراحل رشد و مباحث، به مشاور کمک می‌کند تا فرایندهای اساسی مرتبط با کودکی را بفهمد و رفتارهای متناسب با رشد را تشخیص دهد و جنبه‌ی سوم از نقش بازی درمانگر، مؤدب بودن طی فرایند بازی درمانی است. بازی درمانگرها به انعطاف‌پذیر بودن و ظرفیت ذاتی کودکان برای رشد خویشتن اعتقاد دارند.

جنبه‌ی چهارم، نقش بازی درمانگر در درک سیستم‌هاست. این نقش شامل به دست آوردن اطلاعات و تلاش برای درک تأثیرات سیستم بر مراجعان، آگاه بودن از اثرات متقابل اجتماع بر مراجعان، و خدمت کردن به عنوان یک حامی در شرایط ترسناک است. آخرین نقش بازی درمانگر، یعنی «خود مراقبتی»، شامل مشاوره با سایر متخصصان، جست‌وجوی سیستم‌های حمایتی و جست‌وجوی مداوم و استفاده از موقعیت‌هایی برای رشد تخصص است. [Green, 2005]

یکی از شرایط روان‌درمانی موفق این است که به شرایط، ویژگی‌ها و نیازهای مراجع توجه داشته باشیم. کودکان موجوداتی هستند که با توجه به شرایط و ویژگی‌های رشدی خود، دنیای خاص و نیازهای ویژه‌ای دارند. همین موضوع متفاوت بودن شیوه‌های روان‌درمانی را در مورد آنان ایجاد می‌کند.

بازی درمانی روشی است که اگر به طور صحیح از آن استفاده شود، هم جنبه‌ی پیش‌گیرانه دارد و هم جنبه‌ی درمان. با استفاده از این روش می‌توان به کودکان کمک کرد، نیازهای دوره‌ی کودکی خود را بدون این که به مشکل تبدیل شوند، برآورده کنند. کودک می‌تواند نحوه‌ی صحیح برقراری تعاملات اجتماعی را از طریق بازی‌های دسته جمعی، نمایشی و ... بیاموزد. نحوه‌ی تخلیه‌ی صحیح احساسات، بیان موارد اضطراب‌زا و بیان خشم بدون آسیب رساندن به خود و دیگران، مانع از بروز مشکلات بعدی می‌شود. یعنی هم جنبه‌ی آموزشی و هم جنبه‌ی درمانی دارد. علاوه بر این، بنا به نظر بسیاری از روانشناسان، قسمت اعظم شخصیت انسان‌ها در دوران کودکی و در محیط خانواده شکل می‌گیرد. استفاده از بازی، گذشته از این که به کودکان کمک می‌کند دوران کودکی لذت‌بخشی داشته باشند، به خانواده‌ها نیز آموزش می‌دهد تا طی این مرحله را برای کودک آسان سازند.

در بعضی از شیوه‌ها، مثل بازی درمانی ولی فرزندی و تراپلی، از کمک خانواده‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم استفاده می‌شود. این موضوع علاوه بر این که باعث تحکیم روابط خانوادگی می‌شود، به کودک کمک

به عنوان یک پژوهشگر پیشنهاد می‌کنم، این روش در مورد کودکان سه تا هشت‌ساله‌ای که دچار مشکلات خانوادگی (مانند طلاق والدین) هستند و نیز کودکانی که در روابط گروهی مشکل دارند، به کار رود. هم‌چنین، در مورد کودکانی که دچار اختلال رفتاری، ناخن جویدن، بیش‌فعالی، شب‌اداری، ناسازگاری و پرخاشگری هستند، این روش می‌تواند مؤثر باشد. حتی مربیان مهدکودک‌ها، والدین و معلمان می‌توانند از بازی‌درمانی به منظور کمک به کودکان استفاده کنند تا موفق به تخلیه‌ی صحیح احساسات منفی، مثل خشم شوند و به یادگیری سازگاری بیشتر بپردازند.

پی‌نوشت

1. Ginott

منابع

۱. شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۶). فنون و روش‌های مشاوره. انتشارات ترمه با همکاری انتشارات چهر.
۲. شیاسی، لیلیا. بازی‌درمانی. سایت روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان.
3. Christensen, T.M. (2003). introduction to play therapy. [Handout]. Newor Leans, LA: Author.
4. Green, E. (2005). Elementary school children's perceptions of the process of counseling with School counselors who utilize play therapy techniques.
5. Kottman, T. (2001). play therapy: Basics and beyond. Alexandria, VA: American counseling Association.
6. ladreth. G. & Bratton, s. (1999). play therapy. Library Counseling. htm.
7. Perez, R. & Ramirez, s.Z & Kranz, P.L. (2007). Adgusting limit setting in play therapy with first-generation Mexican-American. Journal of instructional Psychology; proquest Psychology journals.

اشاره

مقاله‌ی حاضر یکی از روش‌های آموزش زبان دوم به نام "تی پی آر" را توضیح می‌دهد. محورهای موضوعی این مقاله عبارت‌اند از: تبیین و نحوه‌ی عمل این روش، چرایی و فواید آن و در پایان، پیشنهادهایی برای مربیان و تولیدکنندگان محتوای زبان‌آموزی در مناطق دوزبانه.

معرفی روش

این روش در اوایل قرن بیستم توسط **جیمز اشرا**، زبان‌شناس انگلیسی، بالهام از فراگیری زبان اول در ماه‌های اولیه‌ی زندگی کودک، ابداع شد. روشی رایج و کارآمد در زبان‌آموزی به‌ویژه در زبان دوم برای کودکان است که برجسته‌ی درک زبان تمرکز دارد. به‌زعم ایشان و محققین دیگر، یادگیری زبان باید ابتدا با درک زبان آغاز شود و کم‌کم به تولید برسد. آن‌ها معتقدند بعد از این که کودکان به درکی کلی از اصول آن زبان رسیدند، به‌صورت خود به خود شروع به صحبت می‌کنند. درست همانند فراگیری زبان اول که در آن، کودک ماه‌ها قبل از این که حرف زدن را آغاز کند (اولین کلمات خود را بگوید)، به صحبت اطرافیان خود گوش می‌دهد و از لابه‌لای

دروندهای زبانی از محیط، یعنی از آواهایی که می‌شنود و از تعاملی که با پدیده‌های محیطی برقرار می‌کند، به استخراج معنا می‌پردازد. به بیان دیگر، این دوره‌ی سکوتی است برای کودک تا فرصتی برای وی فراهم شود که زبان جامعه‌ی زبانی خود را فرا بگیرد. درواقع، هیچ‌کس به کودک زبان را یاد نمی‌دهد، کودک زمانی که احساس آمادگی می‌کند، شروع به صحبت می‌کند. این روش تلاشی است در راستای طبیعی‌تر کردن و هم‌سو کردن آموزش زبان دوم با زبان مادری.

شیوه‌ی اجرا

روش "TPR" به معنی پاسخ کاملاً بدنی به شنیده‌هاست. در این روش، کودکان سخن نمی‌گویند، ولی شنونده‌ی محض هم نیستند. علاوه بر این که با دقت به سخنان مربی گوش می‌دهند و حرکات او را مشاهده می‌کنند، به اجرای دستورالعمل‌هایی می‌پردازند که از جانب او صادر می‌شود. در این روش "افعال کنشی" عمده‌ترین نقش را دارند. دستورالعمل‌ها در قالب ساخت امری، گاه فقط با یک

روش آموزش پاسخ کاملاً بدنی در مناطق دوزبانه

کلیدواژه‌ها: آموزش پیش دبستانی، تی پی آر، مناطق دوزبانه.

فریده عصاره

عکس‌ها: اکبر مداحی گیوی



می‌کنند و بدون این‌که حرفی بزنند، دستورالعمل موردنظر را انجام می‌دهند. این وضعیت باعث می‌شود که زبان‌آموزان تلفظ صحیح واژگان و عبارات زبان را یاد بگیرند. در این روش آموزشی معمولاً چندین فرایند ذهنی و فیزیکی باهم به کار برده می‌شوند. یعنی وقتی ما از کودک می‌خواهیم در را باز کند، در اجرای این دستورالعمل، هم فرایند ذهنی او فعال می‌شود و هم وی هنگام اجرای عمل، فعالیت فیزیکی را انجام می‌دهد.

محققان آموزش زبان دوم به کودکان، می‌گویند: کودکان معمولاً زبان را در حوزه‌ی اشیا و اشخاصی به کار می‌برند که آن‌ها را لمس کنند یا فعالی که با اعضای بدن خود انجام دهند [Richards, 2001].

از سوی دیگر، آموزش زبان نیز مانند هر آموزش دیگری باید با تجربیات عینی و فعالیت‌های فیزیکی همراه باشد.

سازوکار فیزبولوژیکی

روش TPR توسط نیم‌کره‌ی راست مغز هدایت می‌شود. در حالی که بسیاری از روش‌های دیگر، نیم‌کره چپ مغز را درگیر می‌کنند. به نظر اشرف،

فعل کنشی (مانند بیا، برو و ...)، ولی غالباً با عبارات‌ها و جمله‌هایی بیان می‌شوند که مقوله‌های دیگر زبانی را، از قبیل اسم، صفت و قید در برمی‌گیرند. معمولاً این دستورالعمل‌ها شامل درک واژگان و اعمال پرکاربرد هستند که با توجه به افزایش قدرت درک و دانش زبانی کودکان، به تدریج بیشتر و پیچیده‌تر می‌شوند.

این روش با فرایندهای زبان مادری نیز هم‌خوانی دارد.

چنان‌که کودکان در مراحل اولیه‌ی زندگی، یعنی زمانی که هنوز قادر به سخن گفتن نیستند، به دستورالعمل‌های بزرگسالان جواب می‌دهند. زیرا آن‌ها نیازمند پاسخ فیزیکی به دستورات شفاهی والدین خود هستند. در این شیوه، اطلاعات زبانی را به صورت دستورالعمل‌هایی در اختیار کودکان قرار می‌دهیم: بلند شو، بنشین، بچرخ، بایست، بپر، راه برو، در را باز کن، در را ببند، در بزن، بیا این‌جا، برو سر جای خودت بشین، اسم بغل دستی‌ات را بگو، توپ را ببنداز، دست بزن، او را تشویق کن، دستت را روی سرت بگذار، موهایت را شانه کن، چشم‌هایت را ببند، دقتت را روی میز بگذار، لیوان آب را بیاور، گچ را بیاور، مدادت را بتراش، نقاشی‌ات را به من نشان بده، کتاب را به دوست بده، چشم‌هایت را ببند، کاغذ را تا کن و ...^۳

کودکان در واکنش به این اطلاعات

زبانی، آن‌ها را تجزیه و

تحلیل





دستورالعملی که یاد گرفته‌اند، یک بازی طراحی کرد. برای مثال، کودکان دایره‌وار بنشینند و مربی یا یکی از کودکان، نقش دستورالعمل دهنده و یا اوستا را ایفا کند. هر که دستورالعمل را انجام نداد، از بازی خارج می‌شود.

● در برخی از فعالیت‌های مرسوم در مراکز پیش‌دبستانی، هم‌چون کاردستی، دستورالعمل‌های زیادی به کار می‌رود (مانند ببرید، بچسبانید، تا بزنید و...). می‌توانید قبل از اجرای این فعالیت‌ها در کلاس، آن‌ها را ترجیحاً در قالب بازی آموزش دهید تا به‌هنگام انجام کاردستی این دستورالعمل‌ها ناآشنا نباشند.

● به تهیه‌کنندگان محتوای زبان آموزی در مناطق دوزبانه پیشنهاد می‌شود، دستورالعمل‌ها را در بافت‌های معنادار، به تدریج، و از ساده به پیچیده طراحی کنند؛ ابتدا دستورالعمل‌های یک کلمه‌ای و بعد به تدریج ترکیبات و عبارات دو واژه‌ای و بیشتر. در آغاز فقط یک دستورالعمل ساده ارائه دهید و با ارتقای توانایی‌های زبانی و درکی کودکان، به تدریج، تعداد دستورالعمل‌ها را بیشتر کنید.

● می‌توانید دستورالعمل‌ها را روی نوار کاست ضبط کنید و به کلاس ارائه دهید.

● در شروع سال تحصیلی، چنان‌چه کودکان منظور شما را متوجه نمی‌شوند، ابتدا با کمک گویش محلی منظور خود را برسانید. سپس آن‌ها را به فارسی بیان کنید.

● به‌هنگام بیان دستورالعمل‌ها، ترتیب دستورات (جملات امری) خود را مرتب تغییر دهید؛ مانند: بایست، ببر، بایست، بچرخ، راه برو، بایست، ببر، بایست، بچرخ. کم‌کم از آن‌ها بخواهید دستورات را با سرعت بیشتری انجام دهند.

● از آن‌جا که با استفاده از نقاشی یا پانتومیم می‌توان به ادراک کودکان از زبان فارسی کمک کرد، دستورالعمل‌هایی را بگویید تا کودکان پس از گوش کردن به آن، نقاشی مربوط به آن را ترسیم کنند

کودکان

در زبان‌آموزی به

مشاهده^۲ و انجام حرکات نیاز دارند.

فعالیت‌های مربوط به زبان در نیم‌کره‌ی راست مغز باید زودتر از فعالیت‌های مربوط به زبان در نیم‌کره‌ی چپ مغز اتفاق بیفتد. ضمن این‌که کودکان، بخش قابل توجهی از معنای زبان را به‌وسیله‌ی مشاهده‌ی اعمال و رفتار دریافت می‌کنند.

در این روش چون از کودکان انتظار صحبت کردن نداریم و خودشان عملی را انجام می‌دهند، نه تنها اضطرابی در آن‌ها ایجاد نمی‌شود و اعتماد به‌نفسشان حفظ می‌شود، بلکه در شرایط انجام فعالیت به‌ویژه فعالیت‌های دلخواه هم‌چون بازی، شور و نشاطی نیز در آن‌ها به‌وجود می‌آید.

اگرچه این روش در طول فرایند یادگیری زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی در مراحل اولیه‌ی آموزش، به‌ویژه برای کودکانی که در شروع سال تحصیلی قادر به تکلم به زبان فارسی نیستند، کاربرد بیشتری دارد. هم‌چنین در مناطقی که کودکان نه‌تنها قادر به تکلم به زبان فارسی نیستند، بلکه در درک زبان فارسی نیز دشواری‌هایی دارند، استفاده‌ی بیشتری دارد.

پیشنهاد‌های عملی

● بچه‌ها همان‌طور که به‌وسیله‌ی مشاهده‌ی بخش زیادی از معنای زبان و نیز اعمال زبان را یاد می‌گیرند، به وسیله‌ی اجرای اعمال نیز معنای زبان را می‌آموزند. پیشنهاد می‌شود دستورالعمل‌ها را با حرکات بدن خود نشان دهید.

● وقتی کودکان فعالیت‌ها را با هم انجام می‌دهند، مشاهده‌ی هم‌یادگیری خود را افزایش می‌دهند. پس توجه آن‌ها را به یکدیگر نیز جلب کنید.

● باید آموزش را با بازی و سرگرمی همراه کنید تا فضای مفرح و خوشایندی در کلاس ایجاد شود. فعالیت‌هایی که برای این دستورالعمل‌ها طراحی می‌شوند، بهتر است در قالب بازی و یا فعالیت‌های مورد علاقه‌ی کودکان باشد. می‌توان برای چند

پی‌نوشت

1. James Asher

2. Total Physical Response

۳. بهتر است دستورالعمل‌ها با زبان محاوره گفته شوند؛ مانند اسمتو بگو، موها تو شونه کن، مدادتو بتراش، دستت رو روی سرت بذار
...

منابع

1. friman larsen (2000) Techniques and principles in teaching of language.

2. Richards jack c (2001) Approaches and methods in language teaching, cambridge university press.

من روان‌شناس نیستم؛ زبان‌شناس هم نیستم. ولی رفتارهای دختر چهار ساله‌ام، وادارم کرده است آن قدر در آثار و نوشته‌های روان‌شناسان و زبان‌شناسان غوطه‌ور شوم که بتوانم یواش - یواش در این دو رشته حرف‌هایی برای گفتن داشته باشم. البته طبیعی است که این سخن و ادعای من، قدری اغراق‌آمیز است، ولی چون این روزها عادت کرده‌ایم فارغ‌التحصیلان ساده‌ی دوره‌های کارشناسی یک رشته را فلان چیز شناس و بهمان چیز دان بنامیم، شاید به من هم حق بدهید بتوانم حول و حوش این دو رشته حرف‌هایی بزنم و یا در نهایت پرسش‌هایی را مطرح کنم. همین ابتدای نوشته، بهتر است از اصل ماجرا دور نیفتیم و وارد قصه "پیچ مگه هلو"ی خودمان شویم.

در کنار ده‌ها سؤال روان‌شناسی مهم که همواره از ابتدای تولد دختر کوچکم به ذهنم خطور کرده است و پاسخ‌های آن‌ها را در منابع معتبر روان‌شناسی جست‌وجو کرده‌ام، اولین پرسش زبان‌شناسی که با آن روبه‌رو شدیم و من، همسرم و خواهر بزرگ‌تر دخترم را متعجب ساخت، اصطلاحی بود که دخترم از حدود دو سالگی آن‌را به‌کار برده و تاکنون بی‌وقفه در موقعیت‌های گوناگون تکرارش کرده است.

ما خانواده‌ای ترک‌زبان هستیم و کاربرد دو زبان ترکی و فارسی به تناسب بین اعضای خانواده به چشم می‌خورد. برای مثال، درست است که همواره با بچه‌ها فارسی صحبت می‌کنیم، ولی تکلم به ترکی، بین اعضای بزرگ‌تر خانواده، به‌ویژه هنگام حضور مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها بیشتر می‌شود. طبیعی است بزرگ‌ترها دوست دارند زبان مادری و به تبع آن، فرهنگ و هویت بازمانده از گذشتگان، در خانواده زنده بماند. از این‌رو، در موقعیت‌های مناسب بر تکلم به ترکی، حتی با کودکان کم سن و سال تأکید می‌کنند. ما خودمان هم دوست داشتیم و دوست داریم جملات ساده و کوتاهی را همراه با معنای فارسی آن‌ها، به ترکی به بچه‌ها یاد بدهیم. از این‌رو، بچه‌ها به تدریج هر دو زبان را با هم فرا می‌گیرند و حتی اگر لازم باشد، به زبان ترکی صحبت هم می‌کنند.

دخترم حول و حوش دو سالگی‌اش بود و ما آموزش دادنمان گل کرده بود؛ به‌ویژه این‌که مادر بزرگش (مادر من) هم، ما را در این کار همراهی می‌کرد. دو سه کلمه و جمله‌ی ترکی گفتیم و معنای معادل فارسی‌اش را بیان کردیم، او هم با خنده و شوخی تکرار کرد. چند روز گذشت و دوباره این ماجرا تکرار شد. از او پرسیدیم "ترکی بلدی؟!". با خنده و شوخی کودکانه گفت:

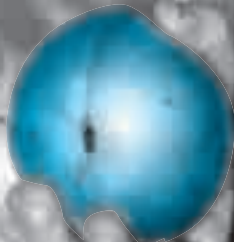
"سو ایچیرسن، مگه آب می‌خوری؟"

معنای ترکی آب می‌خوری، همان "سو ایچیرسن" بود که بهار دو ساله آن‌را به‌درستی به‌کار برده بود. ولی این وسط، کلمه‌ی مگه هم ادا شده بود که از دید ما بی‌معنی بود. ولی مثل این‌که آن‌را به‌جای "یعنی" به‌کار می‌برد. البته همان اول کار متوجه این موضوع نشدیم، و تنها هنگامی که او این کلمه را در موقعیت‌های متفاوت و در یک معنی مشخص به‌کار برد، از این واژه‌سازی سر در آوردیم. به‌عنوان نمونه، وقتی به او گفتیم: "قایینی اورت"، بلافاصله به ما گفت: "مگه در را ببند." (ترجمه‌ی در را ببند، در ترکی، جمله‌ی امری قایینی اورت است).

□□
□□
نقره و نظر

پیچ مگه هلو!

مرتضی مجدفر



خب، دلیل این نام‌گذاری بی‌معنی بچگانه را باید در منابع زبان‌شناسی جست‌وجو می‌کردم. جالب بود که قبلاً هم تعدادی از این قبیل نام‌گذاری‌های بی‌معنی را دیده بودم. مثلاً فرزند بزرگ‌تر برادرم، که اکنون حقوق خوانده و شاغل است، به ساعت مچی پدرم می‌گفت: "اهداف حاج آقا!" و یا فرزند بزرگ‌تر خواهرم، در خردسالی و البته به ترکی، به تخم‌مرغ که ترکی‌اش **یومورتا** می‌شود، می‌گفت: "مولانا!" و وقتی اکنون این را به او که مهندس معمار قابلی است، می‌گوییم، فقط می‌خندد و حرفی برای گفتن ندارد.

از خارجی‌ها، دیدگاه‌های **نوام چامسکی** و از ایرانی‌ها نظریات **محمدرضا باطنی** و **کوروش صفوی** را نگاه کردم. پاسخ خاصی برای پرسشم نیافتم. فقط در جایی، چامسکی گفته بود ممکن است کودک، هنگام ادای کلمه، آن را به چیز دیگری تشبیه کند و نوعی "هم‌سان‌سازی" انجام دهد. خب، یومورتا و مولانا، اگر چه به‌سختی، ولی از لحاظ آوایی، قدری به هم نزدیک‌اند و نوعی هارمونی موزون بین این دو کلمه وجود دارد. ولی "اهداف" با "ساعت" یا "مگه" با "یعنی" چه؟!

البته بعدها یک دانش‌آموخته‌ی زبان‌شناسی گفت: "درست در همان لحظه‌ای که کودک در حال ساخت کلمه‌ای است، ممکن است کلمه‌ای دیگر به گوشش خورده باشد و او، آن را جای‌گزین عبارت یا کلمه‌ای کند که در حال جست‌وجویش بوده است." در هر صورت هنوز، پاسخ این که چرا مگه، باید جای‌گزین **یعنی** شود را نیافته‌ام و در این ارتباط از زبان‌شناسان و سایر کارشناسان و مخاطبان مجله که می‌توانند یاریگر من و پدران و مادرانی باشند که در این زمینه پرسش‌هایی دارند، درخواست مساعدت دارم.

«مگه» رسمی می‌شود!

دخترم از مرز سه سالگی گذشت و آماده‌ی یادگرفتن آموزه‌ها، نکته‌ها و البته کلمات و عبارات جدیدی شد. در این میان، خواهر بزرگ او که دانشجوی رشته زبان‌انگلیسی است، چون عقیده دارد آموزش زبان خارجه باید از همان سال‌های کودکی آغاز شود، شروع کرد به یاد دادن تک کلمه‌هایی به زبان انگلیسی به خواهرش؛ کلمه‌هایی مانند اپل، اورنج، کار و... **نگار** می‌پرسید و بهار جواب می‌داد:

- اپل^۱، - اپل مگه سیب.
- اورنج^۲، - اورنج مگه پرتقال.
- کار^۳، - کار مگه ماشین.
- هلو^۴، - هلو مگه سلام.
- پیچ^۵، - پیچ مگه هلو.

کلمه‌ها خیلی زیاد نبودند، ولی تقریباً بهار اکثر آن‌ها را به‌درستی تلفظ می‌کرد و معنای فارسی هر کلمه را بعد از شنیدن انگلیسی آن، بیان می‌داشت. طبیعتاً بود که پرسش‌های زبان‌شناسانه‌ی ما باز هم مطرح می‌شد: آیا واقعاً این کودک در حال یادگرفتن زبان دیگری است؟ آیا در این سن، یعنی چهار سالگی و - پرسش مهم‌تر - در دوره‌ی آمادگی

که اکنون در بسیاری از واحدهای پیش‌دستانی بر طبل تبلیغ آن کوبیده می‌شود، کودک می‌تواند دو یا سه زبان را همراه باهم یاد بگیرد؟ (فارسی، انگلیسی و نیز عربی یا زبان قرآن). آیا برخی از واحدهای آمادگی که بر چندزبانه بودن آموزش‌های خود تأکید می‌کنند (فارسی به‌همراه یک یا چند زبان خارجی دیگر)، درست عمل می‌کنند؟ مبانی فکری، علمی و زبان‌شناختی انتخاب این نوع از آموزش‌ها چیست؟ آیا آن دسته از واحدهای آمادگی که به جای انس با قرآن، صرفاً بر حفظ قرآن توسط کودکان تأکید می‌کنند، از چرایی و چگونگی یادگیری بچه‌ها در این سن و سال خبر دارند؟

این پرسش‌ها، یکی دو تا نیستند. به‌ویژه هر قدر بهار به سن آمادگی نزدیک‌تر می‌شود و لزوم فرستادن او به این کلاس‌ها را بیشتر احساس می‌کنیم، بیشتر دچار احساس خطر و نگرانی می‌شویم. تازه، همیشه پیش خودم فکر می‌کنم من که با این همه دوست و آشنا و متخصص و کارشناسی که دور و برم دارم، از آینده‌ی فرزندم در دوره‌ی آمادگی احساس نگرانی می‌کنم، افرادی که فقط و فقط ظاهر گول‌زننده‌ی تبلیغات برخی واحدهای آمادگی را می‌بینند، چه باید بکنند؟

سخن پایانی: بله، پیچ مگه هلو!

قرار شد برویم و از کمد دیواری، سطل پلاستیکی کوچکی را که در آن برخی ابزار و اثاثیه‌ی کارهای فنی خانه را قرار می‌دهیم، بیابیم. بهار هم با من همراهی کرد. سطل را برداشتیم. داخل سطل، ظرف کوچک‌تری قرار داشت که داخل آن پر بود از میخ و واشر و پیچ‌های گوناگون و مستعمل. سطل ابزار و اثاثیه را از داخل کمد برداشتیم. بهار حالا تقریباً چهار ساله شده بود و حدود ۹ ماه بود که معنای فارسی کلمات انگلیسی، به‌ویژه میوه‌هایی مانند سیب، پرتقال، موز، خیار، هندوانه و البته هلو را با گفتن کلمه‌ی "مگه" بیان می‌کرد، به محض برداشتن ظرف کوچک‌تر، بهار پیچ نسبتاً بزرگی را در دست گرفت و درست مانند **ارشمیدیس**، کاشفانه، با ذوق تمام و با صدای بلند گفت: "آخ جون! پیچ، مگه هلو!"

پی نوشت

1. Apple
2. Orange
3. Car
4. Hello
5. Peach

فکر کنیم، به دنبال پاسخ باشیم

- در مورد آموزش زبان‌های دیگر (خارجی و محلی) به نوآموزان چگونه می‌اندیشید؟ به نظر شما بهترین راه کدام است؟
- آیا با دایر بودن واحدهای آمادگی دو یا چند زبانه موافقید؟ دلایل موافقت یا مخالفت شما چیست؟
- آیا با وجود واحدهای پیش‌دستانی برای حفظ قرآن، با یادگیری روخوانی قرآن به‌جای تأکید بر انس با قرآن موافقید؟ دلایل موافقت یا مخالفت شما چیست؟

پیش دبستانی خانگی!

مر ترضی طاهری

درآمد

در نگاه اول به عنوان مقاله، خوانندگان عزیز ممکن است تصور کنند، هم‌چون برخی محصولات و صنایع (به ویژه از نوع خوراکی و پوشاکی) که هم‌شکل کارخانه‌های آن‌ها وجود دارد و هم صورت خانگی و بعضاً نوع خانگی آن‌ها خوش خوراک‌تر و سالم‌ترند، پیش‌دبستانی هم در دو نوع عرضه می‌شود و هر کدام دارای ویژگی‌هایی و طبعاً مقایسه بین آن دو بدیهی است! لیکن با مطالعه‌ی متن مقاله در خواهند یافت که این خانگی از آن نوع خانگی‌ها نیست!

در عصر حاضر و با توجه به روند رشد اطلاعات و رسانه‌ها، میزان نیاز انسان، به ویژه کودکان به آموزش و دانستن، افزایش یافته است. به‌علاوه، سن این نیاز نیز روزبه‌روز پایین‌تر می‌رود، به‌طوری‌که نظر به تجارب و مشهودات، کودکان از حدود سه سالگی این نیاز را بروز می‌دهند.

با وجود آن‌که طی دوره‌ی آمادگی و پیش‌دبستانی در برآوردن این نیاز طبیعی، بسیار لازم، مفید و مؤثر است، به علل گوناگون از قبیل نگرش‌ها، کمبود امکانات، نبود قوانین جامع، عدم احساس ضرورت در برخی خانواده‌ها، و... در حال حاضر متوسط نرخ کودکان ایرانی که تحت پوشش دوره‌ی پیش‌دبستانی هستند، حدود ۵۰ درصد است. با این حساب، حدود ۵۰ درصد کودکان این مرز و بوم عمداً یا سهواً از این نعمت محروم هستند. این در حالی است که هم سند چشم‌انداز و ضرورت بسط عدالت آموزشی و هم تعهدات بین‌المللی، بر افزایش سقف کودکان تحت پوشش توسط آموزش و پرورش تأکید کرده‌اند.

اکنون برای رفع این خلأ چه باید کرد؟

با وجود تلاش‌هایی که اخیراً برای رسمیت بخشیدن به این دوره

و تحت حمایت قرار دادن آن صورت گرفته است، دورنمای امکانات و نیروی انسانی موجود، تحقق این مهم را در آینده‌ی نزدیک بعید می‌نمایاند. از این‌رو شناسایی و بهره‌برداری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های دیگر، غیر قابل اجتناب است. یکی از مهم‌ترین این فرصت‌ها، مادران فرهیخته و علاقه‌مند هستند که در حال حاضر نیز، برخی از آن‌ها به‌طور پراکنده به رسالت خویش عمل می‌کنند.

چنان‌چه بتوان با استفاده از امکانات آموزشی غیرحضور و حضوری، این‌گونه مادران را برای جبران کمبود و دور از دسترس بودن مراکز پیش‌دبستانی آماده و به اطلاعات لازم مجهز کرد، به‌مقصد نزدیک‌تر خواهیم شد.

برای رسیدن به مقصود لازم است مراحل زیر صورت پذیرند:
- با برنامه‌ریزی جامع برای پیش‌دبستانی با استفاده از تجربیات داخلی و خارجی (از جمله کوبا).

- شناسایی، جذب و دعوت از مادران کودکانی که به هر دلیل، اعم از اختیاری و اجباری، فرزندانشان از حضور در مراکز پیش‌دبستانی محروم‌اند.

- برگزاری دوره‌ی آموزشی برای مادران مزبور به‌ویژه در زمینه‌ی اصول، اهداف، رویکرد و روش‌های آموزش کودکان.

- تنظیم برنامه‌ای برای حضور مقطعی کودکان در مراکز به‌صورت ساعاتی از هفته یا ماه، به‌منظور تعامل با سایر کودکان.

به منظور ایجاد هماهنگی بین بخش‌ها و نهادهای ذیربط و بهره‌برداری از تمامی امکانات، ضروری است ستادی متشکل از واحدهای مربوط در آموزش و پرورش، از جمله انجمن اولیا و مربیان، سازمان بهزیستی و صداوسیما تشکیل شود.

امید است بحث کوتاه فوق‌زمینه‌ای باشد برای مشارکت فکری همه‌ی مربیان، علاقه‌مندان و دست‌اندرکاران.

فرحناز فرد

کارشناس ارشد روان‌شناسی، منطقه ۱۶ تهران

خلاقیت، نقش خانواده و راهبردهای عملی



کلیدواژه‌ها: خلاقیت، انگیزه، کودک، رشد فکری، رشد روانی.

درآمد

از ویژگی‌های بارز انسان و محور اساسی زندگی او، قدرت اندیشه است. انسان در طول زندگی خود، هرگز از اندیشه و تفکر فارغ نبوده و همواره با نیروی تفکر صحیح، تصمیم گرفته و توانسته است مسائل و مشکلات را حل کند و به رشد و تعالی نائل آید.

برای پیشرفت در صنعت، اقتصاد، علوم و هنرها و به منظور نیل به احساس رضایت‌مندی از خود، نیازمند تفکر خلاق و نوآور هستیم؛ خلاقیتی که در ضمیر همه‌ی ما نهفته است و در نحوه‌ی زندگی ما تأثیر دارد. تحولات سریع عصر کنونی، نیازمند حل مسائل به گونه‌ای خلاق است. هرچند علم، توسعه و پیشرفت نیاز اولیه‌ی بشر امروزی است، اما علم به‌خودی‌خود، ضامن حل بسیاری از مسائل نیست، بلکه نیروی خلاقیت است که می‌تواند مسائل را به گونه‌ای خارق‌العاده حل کند.

خلاقیت چیست؟

رایج‌ترین تعریف از خلاقیت عبارت‌است از: "ایجاد طرحی جدید با ارزش و متناسب." خلاقیت دارای عناصر تشکیل‌دهنده‌ای نیز هست. **عنصر اول**، قلمرو مهارت‌هاست که به استعداد، آموزش و تجربه در یک زمینه‌ی خاص بستگی دارد و به عنوان ماده‌ی اولیه‌ی کار محسوب می‌شود. زیرا برای این که افراد در یک حوزه‌ی خاص خلاق شوند، باید

مهارت لازم در آن زمینه را داشته باشند. **عنصر دوم**، مهارت‌های تفکر خلاق است. انسان‌ها از ویژگی‌های متفاوتی برخوردارند که باعث می‌شود بتوانند قلمرو مهارت‌های خود را در راه جدیدی به کار اندازند. این ویژگی‌ها یا مهارت‌ها را می‌توان با آموزش و تجربه گسترش داد.

عنصر سوم، انگیزه است. انگیزه، میل به کار به‌خاطر همان کار است. اصولاً، انگیزه زمانی ایجاد می‌شود که شخصی کار را جالب، جذاب و رضایت‌بخش ببیند و به انجام آن علاقه‌مند شود. برای ظهور و تقویت خلاقیت در افراد باید محل تقاطع این سه عنصر مشخص شود؛ زیرا این محل تقاطع، ترکیب پرقدرتی است که شخص را به سوی خلاقیت سوق می‌دهد.

رشد و توسعه‌ی خلاقیت به عوامل گوناگون فردی و اجتماعی، مانند هوش، خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و... و غلبه بر موانع مختلف فردی و اجتماعی مانند ترس از شکست، قوانین محدودکننده و... وابسته است [احسینی، ۱۳۷۸]. هرچند توانایی تفکر خلاق به‌طور بالقوه و به‌نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است. براین اساس، برنامه‌های متعددی با عنوان "فنون آموزش و پرورش خلاقیت" تدوین شده‌اند که در این نوشته به موارد متعددی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۴-۵	نقاشی	<ul style="list-style-type: none"> ترکیب رنگ‌ها به روش‌های جدید با به‌کار بردن هم قلم‌مو و هم انگشتان بازی با صداها و معانی کلمات (اغلب هنگام صحبت کردن با خودشان) خلق هم‌بازی‌های خیالی یا ایفای نقش شخصیت‌های ساختگی که حوادث ساختگی را بازی کنند. 	بازی با کلمات رؤیا
۶-۷	آشپزی	<ul style="list-style-type: none"> آزمایش با ترکیب کردن غذاها زیر نظر بزرگ‌ترها و استفاده از غذاها به‌عنوان شکلی از هنر به‌کار بردن خاک رس، ماسه و سایر مواد برای ساختن شکل‌های متنوع ساختن و اجرای نمایش‌نامه شامل در نظر گرفتن لباس‌ها، آهنگ‌ها و مکالمات اتخاذ راه‌حل‌های تازه و مفید برای درگیری‌های بین خود و دیگران 	مجسمه‌سازی نمایش خلاق روابط اجتماعی
۸-۹	قصه‌گویی	<ul style="list-style-type: none"> دنبال کردن مجموعه داستان‌های مرتبط به هم با شخصیت‌ها و موقعیت‌های بدیع پیش هم قرار دادن وسایل به طور حساب شده که روش‌های متفاوت لباس پوشیدن را به طریقی غیر معمول یا یکدیگر ترکیب کند. 	لباس
۱۰-۱۱	اعداد زبان	<ul style="list-style-type: none"> بازی با روش‌های استفاده از اعداد برای تشریح موضوعات خلق کلمات یا زبان‌های سری با خواهر و برادر یا گروه کوچکی از دوستان 	
۱۲-۱۳	ماشین‌ها اطلاعات نگارش	<ul style="list-style-type: none"> مطالعه و بررسی دستگاه‌های مکانیکی و الکتریکی و ساختن مجدد آن‌ها یا به‌کار بردن آن‌ها با روش‌های جدید جمع‌آوری اطلاعات به روش‌های منطقی، آزمایش و به‌کار بردن استدلال استقرایی و قیاسی بیان ایده‌ها با استفاده از استعاره و تشبیه در نظم و نثر 	

*حدود تغییرات سنی میانگین تقریبی است. کودکان در هر سن، اشکال پیشرفته‌تری از رفتارهای خلاق خاص سنین پایین‌تر و اشکال کم‌تر پیشرفته‌ای از رفتارهای خلاق خاص سنین بالاتر از خودشان می‌دهند.

نقش خانواده در رشد و پرورش خلاقیت

در تحقیقات متعددی ثابت شده است، ظهور خلاقیت با موقعیت خانوادگی ارتباط نزدیکی دارد. متخصصان معتقدند که میزان خلاقیت را می‌توان با ایجاد محیط مناسب خانوادگی افزایش داد. با توجه به این که دوران کودکی حساس‌ترین مرحله در رشد خلاقیت است، خانواده بنیادی‌ترین عنصر در شکل‌گیری خلاقیت به‌شمار می‌آید. والدینی که فرزندان خلاق پرورش می‌دهند، نکاتی به این شرح را رعایت می‌کنند:

- برقراری ارتباط مثبت با کودک بدون ایجاد وابستگی زیاد در او.
- ایجاد روابط مودت‌آمیز در خانواده که موجب احساس امنیت عاطفی و روانی در کودک می‌شود.
- دادن استقلال به کودک و آزادی فکر و عمل به او.
- دادن فرصت به کودک برای بیان احساسات مثبت و منفی خود.

- ایجاد جوی آرام، آزاد و عاری از فشار.
- پرهیز از تهدید، تمسخر، شرم‌انده کردن و تنبیه کودک.
- قراردادن خلاقیت در دستور کار ذهنی خود، هنگامی که کودک در کنار آن هاست و تشویق کودک به حل مسائل به شیوه‌ی خلاقانه.
- داشتن ابتکار عمل و کوشش برای آن که الگوی مناسبی برای برانگیختن کودک در زمینه‌ی ابداع و خلاقیت باشند [آمالی، ۱۳۸۶].

ارزیابی منطقی از خلاقیت کودک

کودکان در سنین متفاوت انواع گوناگونی از رفتارهای خلاق را از خود نشان می‌دهند. در جدول ۱، یک راهنمای ساده درباره‌ی نوع خلاقیتی که ممکن است در سنین متفاوت در کودکان مشاهده کنید، آمده است.

جدول ۱: نوع خلاقیتی که از کودک در سنین متفاوت سر می‌زند

[آمالی، ۱۳۸۶]

سن	رشته	نمونه‌هایی از رفتار خلاق
۲-۳	آواز خواندن [سرود]	<ul style="list-style-type: none"> غیر از تکرار آهنگ‌هایی که شنیده‌اند، ساختن ملودی‌هایی و یا گذاشتن کلمات نامفهوم خود روی آهنگ‌های آشنا
	نقاشی	<ul style="list-style-type: none"> بازی با خطوط، اشکال و رنگ‌ها
	نواختن موسیقی	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد ترکیب‌هایی از صدا با وسایل موسیقی، وسایل منزل و اسباب‌بازی

راهنمای عملی پرورش خلاقیت ۱. حفظ انگیزه‌های درونی

الف) کنجکاوی کودک (مثال: جالب‌ترین چیزی که در مدرسه یاد گرفتی، چه بود؟)

ب) پرسش از فعالیت‌های جاری و آتی (مثال: برای رسیدن به هدفی مشخص مانند به دست آوردن وسیله‌ی دل‌خواه، چه راه‌هایی را انتخاب می‌کنی و چه فعالیت‌هایی را انجام می‌دهی؟)

ج) سؤال از کم و کسری و نواقص موجود در جهان دانش. (مثال: هواپیما چه نقضی دارد؟)

د) تقاضای انجام طرح‌های گوناگون.

با توجه به اهمیت تلاش و کوشش در خلاقیت، کودک را باید طوری آموزش داد که وقتی به هدف رسید، از تلاش باز نماند و فقط برای رسیدن به نتیجه و پاداش تلاش نکند [منطقی، ۱۳۷۹]

۲. دامن زدن به تخیلات

الف) تکمیل نقاشی‌های نیمه‌کاره

ب) تهیه‌ی نقاشی‌های تخیلی (مثال: تصور زندگی در سیاره‌ی دور افتاده)

ج) تکمیل داستان‌های نیمه‌کاره (مثال: استفاده‌های غیرمعمول از یک شیء).

ه) یافتن شباهت به کمک تخیل (مثال: ابرهای آسمان را نگاه کردن و شباهت آن‌ها را بیان کردن و یا ریختن جوهر روی کاغذ و تا زدن و اضافه یا کم کردن بعضی قسمت‌ها به شکل به وجود آمده برای رسیدن به شکلی معنی‌دار.)
و) ابداع بازی‌های جدید.

۳. افزایش درک حسی

الف) بیان دقیق آن‌چه می‌بینید (مثال: دیدن از دور و یادداشت کردن آن‌چه دیده می‌شود و سپس دیدن از نزدیک و یادداشت کردن آن‌چه از نزدیک دیده می‌شود و مقایسه‌ی تفاوت‌ها).

ب) ساختن تابلوهای نقاشی (مثال: تهیه‌ی تابلو

از رنگ‌های طبیعی، برگ درختان و گل برگ گل‌ها).
ج) انجام کارهای تخیلی (مثال: درخت را به شکل سفینه‌ی فضایی در آوردن، با حبوبت اشکال و جانوران را به طور برجسته ساختن).

نویسندگی و خواندن خلاق

الف) تهیه‌ی کتاب مصور (مثال: دادن یک متن و کشیدن تصویر برای هر قسمت)

ب) خواندن یک کتاب و ادامه دادن آن (مثال: ماهی تپلی قرمز رسید به دریا و...).

ج) کامل کردن یک داستان ناقص به چند صورت (مثال: پایان غم‌انگیز یا خوشحال کننده یا ترسناک).

۵. تکمیل اشیا و امور ناقص

الف) کامل کردن یک تصویر ناقص (به نحوی که جالب‌تر، زیباتر و ابتکاری‌تر باشد).

ب) تکمیل کردن تصویر ناقص توأم با حل مسئله (مثال: شکل ماهی را طوری کامل کنید که در آب نباشد).

ج) اجرای نمایش به صورت پانتومیم و سپس اجرای آن به صورت واقعی.

د) انجام بازی‌های نمایش گونه و مبهم و کامل کردن آن به نحوی ابتکاری و غیرمعمول.

۶. وحدت بخشیدن به ابعاد متناقض در کودکان

الف) ایجاد روحیه‌ی علمی همراه با دین‌داری، شوخ‌طبعی، سرگرمی و تفریح

ب) ایجاد تعادل بین تفکر شهودی و تفکر نظری (مثال: تشریح نماز، روزه و ادعیه و ایجاد روحیه‌ی تفکر درباره‌ی نظم موجود در پدیده‌های طبیعی و دستاوردهای بشری و کشف روابط منطقی میان آن‌ها).

منابع

۱. آمابلی، ترزا (۱۳۸۶). شکوفایی خلاقیت، ترجمه‌ی حسن قاسم‌زاده و پروین عظیمی. نشر دنیای نو. تهران. چاپ چهارم.
۲. حسینی، افضل‌السادات (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. انتشارات آستان قدس رضوی. تهران.

۳. منطقی، مرتضی (۱۳۷۹). مجموعه‌ی

طرح درس‌های کارگاه آموزشی طرح

جامع آموزش معلمان ابتدایی. دفتر

برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

وزارت آموزش و پرورش.





دنیای اسرار آمیز کودکان



نام کتاب: دنیای اسرار آمیز کودکان

نویسنده: دکتر لورلسن. ای. شاپیرو

ترجمه: دکتر پرویز بیر جندی و پرویز مصلی نژاد

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۵

تعداد صفحات: ۴۰۴ ص

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

ناشر: مؤسسه خیریه آموزشی فرهنگی شهید مهدوی

این کتاب که مشتمل بر بیست و یک فصل می باشد با دقت خاصی رفتارهای اولیه زبان کودک را تجزیه و تحلیل کرده و کوشیده است با مثال های ملموس شیوه های مذکور را به صورتی روشن در قالب اطلاعاتی ارائه کند که برای والدین مفید باشد. در این کتاب، مطالب زیر نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است:

- مفهوم نشانه های کلامی و غیر کلامی کودکان؛
- شیوه های موفقیت کودکان در برخورد با مسایل اجتماعی؛
- چگونگی شکل گیری رویاها، استعدادها و بازی های کودکان؛

- اهمیت نقش والدین در حل مشکلات روانشناختی کودکان. مترجمین در پیش گفتار اظهار داشته اند که، تصور کنید بشر بدون استفاده از زبان به عنوان مهم ترین وسیله ارتباطی با چه مشکلاتی مواجه می شد. کودک در بدو تولد از چنین نعمتی بی بهره است ولی با توجه به آمادگی جسمانی و عقلانی در مدتی بسیار کوتاه حداکثر چهار یا پنج سال، زبان مادرزادی خود را به خوبی فرا می گیرد.

از دیرباز روند فراگیری زبان مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران بوده است. نظریه های گوناگونی در مورد فرایند فراگیری زبان ارائه شده است. ادبیات فراگیری زبان اول، مملو از تحقیقات گسترده ای است که سال ها نظر علاقه مندان به روند فراگیری زبان را به خود جلب کرده است. مطالعه هر یک از دیدگاه ها می تواند تا حدی مفید باشد ولی هیچ یک از این تئوری ها نتوانسته است به این پرسش که زبان اول چگونه فرا گرفته می شود پاسخ قطعی بدهد. از آن جا که به طور معمول در تمامی این نظریات علمی نقش والدین از اهمیت ویژه ای برخوردار است، در این کتاب نیز نقش مهم آن ها مورد توجه جدی قرار گرفته است. در این کتاب هم چنین نه تنها جزئیات ارتباط غیر کلامی مطرح شده، بلکه روش های مختلف استفاده از زبان اسرار آمیز هنر در جهت رفع مشکلات و مداوای بیماری های احساسی نیز توضیح داده شده است.

در فهرست نویسی براساس اطلاعات داده شده هم چنین کلید واژه های کودکان، ارتباط با دیگران، ارتباط غیر کلامی کودکان، کودکان و سرپرستی، والدین و کودک نیز آمده است که می تواند راهنمای خوبی برای خوانندگان باشد.

نویسنده اصلی، لورلسن شاپیرو در مقدمه کتاب نیز تأکید کرده است که فقط با روزی ۱۵ دقیقه می توانید مسیر رشد عاطفی فرزندتان را تغییر دهید و به همین جهت در فصول مختلف کتاب تمرین ها و فعالیت هایی را پیشنهاد کرده است که والدین می توانند از آن ها استفاده نمایند، از داستان گویی قبل از خواب گرفته تا بازی با کلمات در ماشین و در راه خرید! و این اطمینان را به خوانندگان داده است که چنان چه والدین هر روز به برقراری ارتباط با فرزندانشان از طریق این زبان سری و راز و رمزها بپردازند، پاداش زحمات خود را خواهند یافت.

مطالعه این کتاب را به مربیان، دانشجویان، والدین و علاقه مندان به ارتباط با کودکان توصیه می نمایم.





تأثیر طراحی کلاس بر خردسالان و کودکان نوپا

پریسا حبیبی

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان



مجله پژوهش‌های آموزشی
دوره ۲۴
شماره ۱
پاییز ۱۳۸۹

را بلند کرد و وسط کلاس گذاشت. بلافاصله هشت تا از بچه‌ها دور جین و سبدها حلقه زدند. چون بچه‌ها عاشق ساختن‌اند. هنوز یک دقیقه نگذشته بود که یکی از آن‌ها سازه‌ی بچه دیگری را از دستش چنگ زد.

کلید واژه‌ها: فضای خصوصی، فضای نیمه خصوصی، تحرک، اکتشافات خود محور.

جین، مربی کلاس کودکان نوپا، سبدهای لگو (سازه‌های مکعبی)



گریزگاه به آن‌ها فرصت می‌دهند تا ضمن جدا شدن از سایر کودکان، برای لحظاتی آنان را تماشا کنند، با مربی خود خلوت کنند، آرام شوند و به تجدید نیرو و تخلیه هیجان‌های خود بپردازند.

تجهیزاتی برای تحرک

- ما نیم ساعت دیگر به فضای بیرون کلاس می‌رویم و شما می‌توانید بدوید. اما تا آن موقع می‌شود به فعالیت‌های دیگر مثل نقاشی، خمیربازی، آب‌بازی درون حوضچه‌های پلاستیکی و... مشغول شد.

اینها جملاتی هستند که اگر به کودکان چهار یا پنج ساله گفته شوند، اکثر بچه‌ها، آن‌ها را می‌پذیرند. اما کودک نوپا (مثلاً کودک ۱۸ ماهه) نمی‌تواند چنین محدودیتی را درک کند. او می‌خواهد ببرد «همین حالا» سر بخورد «همین حالا» و غلت بزند «همین حالا». حقیقت این است که مؤلفه‌های حرکتی و هیجانی در کودکان به یکدیگر زنجیر شده‌اند. وقتی کودکی توانایی چهار دست و پا رفتن یا حرکت کردن و پریدن را پیدا می‌کند، بر این عمل متمرکز می‌شود و هر روز آن را تکرار می‌کند. با انجام چنین کارهایی کودکان احساس می‌کنند که توانا و لایق هستند، می‌توانند از عهده کارها برآیند و بر اوضاع و شرایط محیط مسلط شوند.

بالا رفتن و پایین آمدن از روی یک بلندی نیز از جمله مهارت‌های حرکتی است که کودکان آن را دوست دارند و اگر مکان یا وسیله مناسبی برای این امر نیابند، از روی میز، صندلی و یا قفسه بالا می‌روند و پایین می‌آیند. از آن‌جا که این وسایل مناسب چنین حرکاتی نیستند، طبیعی است که مربیان کودکان را از این کار منع کنند. اما پیامی که هر کودک از این هشدار مربی دریافت می‌کند آن است که آن‌چه او انجام می‌دهد، درست نیست و این امر به دور شدن کودکان از «اکتشافات خود محور» آنان می‌انجامد. به منظور جلوگیری از این اتفاق، محیط درونی هر مرکز باید از نیاز کودکان به حرکت (پریدن، دویدن، بالا و پایین رفتن، سر خوردن) حمایت کند. سرسره‌های کوچک، پله‌های مفروش، نوها و صندلی‌های گهواره‌ای، سکوه‌های پرش و تخته‌های تعادلی که متناسب با سن کودکان باشند، از جمله وسایلی هستند که به برآوردن نیازهای حرکتی کودکان کمک می‌کنند.

در حالی که کودکان بزرگ‌تر در حال سرخوردن یا حرکت روی تخته‌های تعادلی‌اند، پله‌های مفروش فضایی امن برای کودکان کوچک‌تر است و به افزایش مهارت‌های حرکتی آنها کمک می‌کند. این منطقه می‌تواند مکانی برای نشستن مربیان نیز باشد تا آن‌ها بتوانند کودکان را مشاهده و با آنان تعامل بهتری داشته باشند. اما همین وسایلی که می‌تواند برای رشد فردی کودکان مفید باشند، گاه سبب مشاجره و درگیری می‌شوند. به منظور جلوگیری از این وقایع، باید از وسایلی استفاده کرد که در هر زمان گنجایش بیش از یک کودک را داشته باشند و ضمن کاهش مدت زمان انتظار برای استفاده از آن‌ها، شرایط را برای تعامل مثبت هم‌سن‌وسالان فراهم کند. برای مثال،

در حالی که جین از این دو می‌خواست که مؤدب باشند، اتفاقی مشابه بین دو کودک دیگر رخ داد. مشاجره‌ی آن‌ها هم‌چنان ادامه داشت که به یک‌باره پسر بچه‌ای که می‌دوید، به چیزی که کودکی دیگر با علاقه و دقت زیاد مشغول ساخت آن بود برخورد کرد و...

نقش محیط فیزیکی مراکز نگهداری کودکان، تأثیر زیادی بر کودکان، مربیان و تعامل بین آن‌ها دارد. به این سبب و با توجه به این که «کاوش و اکتشاف محیط فیزیکی» بخش اعظم برنامه‌ی کودکان نوپا و خردسالان بر تحرک را به خود اختصاص می‌دهد، طراحی فضای کلاس اهمیت روز افزونی یافته است.

در کلاس‌هایی که از طراحی و فضا سازی هدفمند و تأثیر گذار بر رشد جانبی کودکان برخوردار نیستند، بچه‌ها یا سرگردانند و یا تنها به فعالیت‌های «معلم محور» مشغول‌اند. در این کلاس‌ها، «کاوش و جست‌وجوگری خودمحور کودکان» و «بازی‌های متمرکز» آنان کاهش می‌یابد و به دلیل مشغول نبودن کودکان به طور مناسب، بروز رفتار پرخاشگرانه در آن‌ها زیاد می‌شود. در چنین محیط‌هایی که بر اساس تأمین نیازهای رشدی خردسالان و کودکان طراحی نشده است، مربیان دائماً در حال گفتن «نه» به کودکانند و به جای تسهیل و برآوردن نیازهای فردی و گروهی آنان، با کنترل رفتار کودکان، نقش یک نگهبان و یا پلیس را ایفا می‌کنند. در مقابل، کلاسی که از طراحی محیطی مناسبی برخوردار است، از لحاظ زیبایی شناختی جذابیت دارد و در کودکان این احساس را ایجاد می‌کند که آن‌ها در فضایی جداگانه‌اند و می‌توانند در این محدوده‌ی تعریف شده، با امنیت خاطر بدون آن‌که نگران خرابی یا مثلاً لگدمال شدن آن‌چه ساخته‌اند باشند، مشغول کار خود شوند. ضمن آن‌که مربیان هم می‌توانند به آسانی بر این محل‌ها نظارت کنند. هم‌چنین فضاهای خالی حاصل از تورفتگی‌های دیوارها و یا کاناپه‌ای که در حاشیه‌ی کلاس قرار داده می‌شود نیز، می‌توانند فضاهایی فعال و متناسب با سن کودکان ایجاد کنند. این در حالی است که مرکز کلاس به عنوان یک فضای قابل انعطاف برای حرکت کودکان و بزرگ‌سالان باز است و می‌تواند بر اساس مشاهدات مربیان از علائق کودکان در صورت لزوم تغییر یابد.

فضای خصوصی یا نیمه خصوصی

بررسی‌ها نشان داده‌اند که بسیاری از پرخاشگری‌های کودکان به دلیل تنش و فشار حاصل از حضور آنان در گروه‌های بزرگ (چند ساعت در روز و چند روز در هفته) است. بنابراین، اگر گروه بزرگ بچه‌ها را به چند گروه کوچک تبدیل کنیم، از این تنش و در نتیجه از پرخاشگری آنان کاسته می‌شود. وجود فضاهای خصوصی یا نیمه خصوصی در کلاس نیز می‌تواند به این امر کمک کند. درست کردن یک تونل (دالان) در کلاس، استفاده از اتاقک‌های پیش ساخته‌ی مفروش با درهای جداگانه، فضای زیر شیروانی و یا پله‌های سیار دارای حصار در گوشه‌ی کلاس، از جمله‌ی این فضاها هستند. چنین فضاهایی، هم از اکتشافات حرکتی کودکان حمایت می‌کنند و هم به‌عنوان یک

برای رنگ کلاس‌ها نیز بهتر است از رنگ‌های روشن که احساسات کودکان را تحریک می‌کنند، استفاده کرد. در انتخاب عکس‌هایی که به دیوار زده می‌شود نیز باید دقت کرد که زمینه‌ی تیره و گرم داشته باشند تا به تشخیص موضوع از زمینه و ایجاد تمرکز بیشتر در کودکان کمک کنند

دست‌شویی

دست‌شویی‌ها باید به اندازه‌ی کودکان تعبیه شوند و تعدادشان نیز متناسب با کودکان باشد تا مدت زمان انتظار برای کودکان را کاهش دهد و به تعاملات اولیه‌ی اجتماعی درست منجر شود.

پنجره

کودکان عاشق نگاه کردن هستند. بنابراین اندازه‌ی پنجره‌ها باید به گونه‌ای باشد که آن‌ها بتوانند با محیط بیرون ارتباط چشمی برقرار کنند؛ ضمن آن‌که از نور طبیعی خورشید نیز بهره‌مند شوند.

نور

نور ضعیف و یا شدید تأثیر نامطلوبی بر چشم‌ها و کل محیط دارد. نور مناسب نوری است که فضا را به محیط خانه شبیه کند. بنابراین، استفاده از لوسترهای سبک، چراغ‌های چند شاخه‌ای، نورهای غیرمستقیم مانند چراغ‌های دیوار کوب و نورهایی که از کنج‌ها می‌تابند انتخاب‌های مناسبی هستند. اما لامپ فلورسنت که فضای بازی و شاد را به محیط اداره یا بیمارستان تبدیل می‌کنند، انتخاب خوبی محسوب نمی‌شود. استفاده از سوئیچ‌های دایمر که نور را طبق روشنایی مورد نیاز در اوقات و فعالیت‌های متفاوت، کم یا زیاد می‌کند نیز توصیه می‌شود.

تهویه

در محیطی که از طراحی خوبی برخوردار است، تهویه به سهولت تأمین می‌شود. این تهویه‌ها شامل تهویه‌ی مرکزی (که به جای چرخش درآوردن هوا، بیشتر از هوای تازه استفاده می‌کند)، تهویه‌ی طبیعی یا مکانیکی مثل باز کردن پنجره و نورگیر سقفی و استفاده از پنکه است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

فضایی مناسب و مطلوب است که بتواند:

- از رشد فردی و اجتماعی کودکان حمایت کند و به نیازهای آنان پاسخ دهد.
- مانع سرگردانی و یا تمرکز بیش از اندازه بر فعالیت‌های معلم‌محور شود و از خشونت و پرخاشگری بکاهد.
- سبب تشویق اکتشاف، بازی‌های متمرکز و همکاری و تشریک مساعی شود.
- فرصتی برای انتخاب در اختیار کودکان قرار دهد و از یادگیری خود محور آنان حمایت کند.



سرسره یا پله‌ها باید از پهنای کافی برخوردار باشند. نانو نیز به صندلی گهواره‌ای ترجیح دارد. زیرا در هر لحظه می‌تواند بیش از یک کودک را در خود جای دهد، فضایی روی زمین اشغال نمی‌کند و هر وقت لازم باشد می‌توان آن را به سرعت جمع کرد و در انبار گذاشت.

اندازه‌ی گروه کودکان و کلاس‌ها

خردسالان باید در گروه‌های ۶ تا ۸ نفره و کودکان نوپا در گروه‌های ۱۲-۸ نفره (در فضای کافی و مناسب) مورد مراقبت قرار گیرند. اگر کلاس خیلی کوچک باشد و یا گروه‌های بچه‌ها بزرگ باشد، احتمال بیمار شدن کودکان و شیوع بیماری بیشتر است. ضمن آن‌که همکاری آن‌ها کمتر و شلوغی، سرگردانی و پرخاشگری بیشتر است. برای گروه‌های ۶ نفره، کلاس حداقل باید ۳۵۰ فوت مربع فضای قابل استفاده داشته باشد و برای گروه‌های بالای ۶ نفر، به ازای هر کودک ۵۰ فوت (حدود ۱۵ متر) فضای قابل استفاده باید تدارک دیده شود. توجه کنیم که فضای قابل استفاده شامل دست‌شویی، آشپزخانه، محل خواب، محل تعویض پوشک و یا انبار نمی‌شود.

کف کلاس نیز از اهمیت زیادی برخوردار است، چون درصد زیادی از اوقات کودکان روی آن می‌گذرد. به استثنای ورودی، منطقه‌ی تعویض پوشک و دست‌شویی، مکان غذاخوری و محل فعالیت‌هایی مثل نقاشی یا آب‌بازی، بقیه قسمت‌ها بهتر است با موکت به رنگ طبیعی، کم‌پرز و با خاصیت ضد میکروبی که از رشد قارچ‌ها و باکتری جلوگیری می‌کند، پوشانده شود. استفاده از بالش‌های جاذب و قابل شست‌وشو، قفسه‌ی اسباب‌بازی چوبی با حفاظ ایمن، آینه‌هایی با قاب‌های محافظ پلاکسی گلاس، استفاده از موجودات زنده مانند ماهی و یا گیاهان در درون کلاس، عکس‌های کودکان و خانواده‌های آنان که با ورقه‌های سلیفون پوشانده شده و درون قاب‌های محافظ قرار گرفته‌اند نیز از جمله وسایلی هستند که باید در کلاس به کار گرفته شوند.





دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد **کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- رشد **نوآموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- رشد **دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- رشد **نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد **دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی
- رشد آموزش راهنمایی تحصیلی
- رشد تکنولوژی
- آموزشی
- رشد مدرسه فردا
- رشد مدیریت مدرسه
- رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فن‌وحرفه‌ای
- رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

بامخاطبان رشد آموزش پیش‌دبستانی مروری بر نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان

اشاره

خوانندگان محترم مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دبستانی! شما از طریق پنج وسیله‌ی ارتباطی ذکر شده در صفحه‌ی شناسنامه‌ی مجله: ارسال نامه‌ها و نوشته‌ها از طریق صندوق پستی، پست الکترونیکی، شماره مجله، ایجاد ارتباط از طریق تماس تلفنی و تلفن پیام‌گیر می‌توانید با ما در ارتباط باشید. البته اگر مراجعه‌ی حضوری نیز داشتید، در دفتر مجله واقع در محل دفتر انتشارات آموزشی در خیابان ایرانشهر شمالی در خدمتتان خواهیم بود. در صفحه‌ی «با مخاطبان رشد آموزش پیش‌دبستانی» این شماره نیز در خدمتتان هستیم.

خانم زینب کاظمی گردودبازی

نامه‌ی پر از محبت شما به دستمان رسید و نکات مطرح شده در نامه‌ی شما توسط سردبیر به دقت مطالعه شد. مطمئن باشید که مورد توجه قرار خواهد گرفت. ضمناً از فال حافظ که برای مجله گرفته بودید، بسیار سپاسگزاریم و در همین جا این ابیات را می‌آوریم:

صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن
دور فلک درنگ ندارد شتاب کن
زان پیشتر که عالم فانی شود خراب
ما را ز جام باده گلگون خراب کن

در انتظار نامه‌های دیگر شما هستیم.



همت مضاعف، کار مضاعف

برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آرمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک باپست‌سفار شی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

◆ نام مجله‌های درخواستی:

.....

.....

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد:

.....

◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک:

کد پستی:

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

کد اشتراک:

امضاء:

● صندوق پستی مرکز بررسی آثار:

۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

● صندوق پستی امور مشترکین:

۱۶۵۹۵/۱۱۱

● نشانی اینترنتی:

www.roshdmag.ir

● پست الکترونیک:

Email: info@roshdmag.ir

● امور مشترکین:

۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰

● پیام گیر مجله‌های رشد:

۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- ◆ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- ◆ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.

مطالب این عزیزان به دستمان رسید:

دوستان و مخاطبان محترم! مقالات و نوشته‌های شما رسید، ولی به دلیل انبوه بودن مقالات دریافتی، حجم کم صفحات مجله و نیز عدم تطابق برخی نوشته‌ها با هدف‌های انتشار مجله، فعلاً در اولویت قرار نگرفته است. منتظر سایر نوشته‌ها و مقاله‌های شما هستیم.

- صدف طوسی / بابلسر، روستای اجاکسر

- معصومه اقدامی راسته کناری / کرج

- فرحناز فرد / ؟

- آناهیتا خضری / تهران

- معصومه حاتمی / ساوه

- معصومه حیدری / اصفهان

- آدینه پورقاسمی فتیده / شهریار

- مریم حاجی عظیمی / اردستان

- مهدیه جعفرزاده / چایپاره، آذربایجان غربی

- فرناز تنها / زرنده، استان مرکزی

کتاب مری

به دنبال تصویب راهنمای برنامه‌ی دوره‌ی پیش‌دبستان در شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۷) لازم بود به استناد آن راهنمای عملی نیز برای مربیان محترم و کارشناسان و تولیدکنندگان محتوای مراکز پیش‌دبستانی نگاشته شود. از این روی با استفاده از صاحب‌نظران برجسته و مطلع اقدام به تدوین مجموعه‌ای با عنوان «کتاب مری» شده است که شامل موضوعات زیر می‌باشد:

۱. آشنایی با راهنمای برنامه‌ی مصوب؛

۲. آشنایی با ویژگی‌های رشد کودکان دوره‌ی

آمادگی؛

۳. آشنایی با شیوه‌های تولید محتوای مراکز

پیش‌دبستانی و ارزیابی آن‌ها؛

۴. آشنایی با شیوه‌های تولید محتوای قرآنی و

نیز انس کودکان با قرآن کریم که شماره‌های ۱ تا ۳ در

دست چاپ بوده و شماره‌های ۴ و ۵ نیز متعاقباً تدوین

و منتشر خواهد شد.